



تلاوت روزی یک جزء از  
**قرآن**  
الجزء ۲۹  
Reciting one Juz' a day from  
**Qur'an**

# جزء ۲۹ - صفحه ۵۶۲ تا صفحه ۵۸۱

الجزء التاسع والعشرون - الصفحة ۵۶۲ إلى الصفحة ۵۸۱

Juz' (Part) 29 - Page 562 to Page 581

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

از شر وسوسه شیطان ملعون به خدا پناه می برم

I seek refuge with Allah from the accursed Satan!



سوره ۶۷ - ۳۰ آیه - مکی ﴿ سُورَةُ الْمَلِكِ ﴾

Surah 67: (Al-Mulk)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!



# تَبَارَكَ الَّذِي فِي يَدِهِ الْمُلْكُ

بزرگوار خدایی که سلطنت ملک هستی به دست قدرت اوست

**Blessed is He in Whose hands there rests control;**

# وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و بر همه چیز تواناست. (۱)

**He is Capable of [doing] everything, (1)**



# الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ

خدایی که مرگ و زندگانی را آفرید که شما بندگان را بیازماید  
**the One Who created death and life,**

# لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا

تا کدام نیکوکارتر (و خلوص اعمالش بیشتر) است  
**so He may test which of you is finest in action.**



٦

# وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ

٢

و او مقتدر و بسیار آمرزنده است. (٢)  
He is the Powerful, the Forgiving" (2)

# الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ طِبَاقًا

آن خدایی که هفت آسمان بلند را به طبقاتی منظم بیافرید  
Who created seven matching heavens.



# مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ

و هیچ در نظم خلقت خدای رحمان بی نظمی  
You do not see any discrepancy in the

# مِنْ تَفَاوُتِ

و نقصان نخواهی یافت،  
Mercy-giving's creation.





# فَارْجِعِ الْبَصَرَ

باز بارها به دیدهٔ عقل بنگر

Look once again;

هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ ۳

تا هیچ نقص و خلل هرگز در آن توانی یافت؟ (۳)

do you see any flaws? (3)





۹  
ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ

باز دوباره به چشم بصیرت دقت کن

**Then look still another time:**

يَنْقَلِبُ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا

تا دیده خرد، زبون و خسته (نقصی نیافته)

**(your) gaze will come back to you bewildered,**



# وَهُوَ حَسِيرٌ



به سوی تو باز گردد. (۴)  
and feel exhausted. (4)

# وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ

و ما آسمان دنیا را به چراغهای انجم رخشان زیب و زیور دادیم  
We have decorated the nearest sky with lamps.



وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ

و به تیر شهاب آن ستارگان، شیاطین را راندیم

We have placed them as missiles directed towards the devils

وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ

و عذاب آتش فروزان را بر آنها مهیا ساختیم. (۵)

and prepared torment from the Blaze for them. (5)



وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ

و بر آنان که به خدای خود کافر شدند

Those who disbelieve in their Lord will have

عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ٦

عذاب جهنم که بسیار بد منزلگاهی است مهیاست. (۶)

Hell's torment; it is such a wretched goal! (6)



إِذَا الْقَوَا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهيقًا

که چون به آن جهنم در افتند فریاد منگری چون شهیق خران  
**As they are flung into it, they will hear it gasping**

وَهِيَ تَفُورُ

از آتش چون دیگ جوشان می شنوند. (۷)  
**as it seethes, (7)**



# تَكَادُ تَمِيزُ مِنَ الْغَيْظِ ز

(دوزخ از خشم کافران) نزدیک است شکافته و قطعه قطعه شود،  
almost bursting with rage.

# كَلِمًا الْقِي فِيهَا فَوْجٌ

هر فوجی را که به آتش در افکنند  
Each time a group is cast into it,



سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا

خازنان جهنم از آنها پرسند:

its keepers will ask them:

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ

آیا پیغمبری برای راهنمایی شما نیامد؟ (۸)

"Did no warner come to you?" (8)





# قَالُوا بَلَىٰ

آنها در جواب گویند: آری،

They will say: "Of course

# قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا

ما را رسول بیم‌دهندهٔ حق آمد ولی ما تکذیب او کردیم

a warner came to us, and we rejected [him]



وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ

و گفتیم که خدا چیزی (از آسمان) نفرستاده  
and said: 'God has not sent down anything;

إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ ۙ

و جز اینکه شما رسولان، سخت به گمراهی و ضلالتید، هیچ نیست. (۹)  
you (all) are merely in gross error." (9)



وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ

و گویند: اگر ما در دنیا (سخن انبیا) می شنیدیم یا به دستور عقل

They will further say: "If we had only listened and reasoned things out,

مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿١٠﴾

رفتار می کردیم (امروز) از دوزخیان نبودیم. (۱۰)

we would not have become inmates of the Blaze." (10)



# فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ

آنجا به گناه خود معترف شوند (که سودی ندارد

**They will acknowledge their offence,**

# فَسُحِقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ

و خطاب قهر فرا رسد) که اهل آتش افروخته دور باد. (۱۱)

**so away with the inmates of the Blaze! (11)**



إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ

همانا آنان که از خدای خود در پنهان می ترسند

The ones who live in awe of their Lord even though [He is] Unseen

لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ۱۲

آنها را آمرزش و پاداش بزرگ (بهشت ابد) خواهد بود. (۱۲)

will have forgiveness and a large payment. (12)



وَأَسِرُوا قَوْلَكُمْ أَوْ اجْهَرُوا بِهِ

و شما سخن پنهان گوئید یا آشکار، در علم حق یکسان است،

Hide anything you say or else shout it out:

إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۱۳

که خدا به اسرار دلها هم البته داناست. (۱۳)

He is still Aware of whatever is on your minds. (13)



# أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ

آیا آن خدایی که خلق را آفریده، عالم به اسرار آنها نیست؟

Does He not know anyone He has created?

وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ

وَع ۱۴

و حال آنکه او بر باطن و ظاهر همهٔ امور عالم آگاه است. (۱۴)

He is the Gracious, the Informed! (14)





# هُوَ الَّذِي

او آن خدایی است که

**He is the One**

# جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا

زمین را برای شما نرم و هموار گردانید

**Who has placed the earth to be developed by you,**



۲۴  
ز

فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ

پس شما در پست و بلندی‌های آن حرکت کنید و از روزی او خورید  
so walk along its byways and eat some of what He provides you with,

وَإِلَيْهِ النُّشُورُ ۱۵

و (بدانید که) بازگشت همهٔ خلائق به سوی اوست. (۱۵)  
for with Him lies reviving it again. (15)



ءَأَمِنْتُمْ مَن فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ

آیا از (قهر) خدایی که در آسمان مقتدر و حکمفرماست ایمنید که شما را

Do you feel confident that Whoever is in Heaven will not let

بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ ﴿١٦﴾

به زمین فرو برد، در حالی که زمین به موج و اضطراب در افتد؟ (۱۶)

the earth swallow you up? How it will sway! (16)



أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ

آیا از قهر خدای مقتدری که در (زمین و) آسمان حکمفرماست ایمنید  
Or do you feel secure that Whoever is in Heaven

أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا

که تندبادی بفرستد و بر سر شما سنگ ببارد  
will not send a hailstorm against you,



# فَسَتَعْلَمُونَ

تا بدانید که

so that you shall find out

# كَيْفَ نَذِيرِ ١٧

وعدۀ عذاب من چگونه است؟ (۱۷)  
how [true] My warning was? (17)



# وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

و همانا امم پیش از اینها نیز (رسولان ما را) تکذیب کردند

**Their predecessors denied it,**

# فَكَيْفَ كَانَتْ نَكِيرًا

۱۸

پس (بنگرید) چگونه سخت آنها را هلاک کردم. (۱۸)

**and how [great] was My disgust! (18)**



أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ

آیا مرغان هوا را نمی‌نگرند

Have they not watched the birds

فَوْقَهُمْ صَافَاتٍ وَيَقْبِضْنَ

که بالای سرشان پر گشوده، گاه بی حرکت و گاه با حرکت بال پرواز می‌کنند؟  
flapping [their wings] in rows above them?





۳۰  
مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

کسی جز خدای مهربان آنها را (در فضا) نگاه نمی دارد،  
What holds them up except the Mercy-giving?

إِنَّهُ وَبِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ ۱۹

که او به احوال همه موجودات کاملاً بیناست. (۱۹)  
He is Observant of everything. (19)



أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ

آیا آن کیست که سپاه و مددکار شما باشد

Who is there [to act] as an army for you in order to

يَنْصُرْكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ ج

و همه‌گونه شما را در برابر خدای مهربان یاری تواند کرد؟

support you, besides the Mercy-giving?



# إِنَّ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ



پس کافران جز در غرور و فریبی بیش نیستند. (۲۰)  
**Disbelievers are merely suffering from delusion. (20)**

## أَمَّنْ هَذَا الَّذِي

آیا آن کیست که

**Who is there to provide for you**



يَرْزُقُكُمْ اِنْ اَمْسَكَ رِزْقَهُ وَج

اگر خدا از شما رزق خود باز گیرد او روزی به شما تواند داد؟  
if He should stop providing [for you]?

بَلْ لَجُّوا فِي عُتُوٍّ وَ نَفُورٍ ۲۱

بلکه کافران دانسته در طغیان و عصیان لجاج ورزند و از حق اعراض می‌کنند. (۲۱)  
Rather they persist in insolence and disdain. (21)



أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا

آیا آن کس که (در کفر و جهالت)  
And is someone who walks along

عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ

سرنگون به رو در افتاده  
with his face bent down



# أَمْرٌ يَمْشِي سَوِيًّا

یا آن که با قامت راست به راه راست (ایمان) است  
**better guided than someone who walks properly**

# عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

۲۲

کدام بهتر هدایت یافته‌اند؟ (۲۲)  
**along a Straight Road? (22)**



قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ

بگو: اوست خدایی که شما را از نیستی به هستی آورد

SAY: "He is the One Who has produced you

وَجَعَلَ لَكُمْ السَّمْعَ

و دو گوش و چشم (شنوا و بینا)

and granted you hearing,





# وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ ج

و دل (هوشیار) به شما عطا کرد (تا شکر نعمتش گویند)  
**eyesight and vital organs.**

۲۳

# قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

حال آنکه بسیار کم از نعم او شکرگزاری می‌کنید. (۲۳)  
**Yet how seldom are you grateful! (23)**



قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ

بگو: اوست خدایی که شما را در زمین (از خاک) برانگیخت

SAY: "He is the One Who has scattered you all over the earth,

وَالِيَهُ تَحْشُرُونَ

۲۴

و باز به سوی او محشور می شوید. (۲۴)

and to Him will you be summoned." (24)



# وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ

و کافران (به تمسخر) گویند: این وعده قیامت کی خواهد بود  
**They say: "When will this promise [come to be]**

# إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

۲۵

اگر شما راست می گوئید؟ (۲۵)  
**if you are so truthful?" (25)**



قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ

بگو: علم آن تنها نزد خداست

SAY: "Knowledge rests only with God;

وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

۲۶

و من منحصرًا وظیفه‌ام این است که شما را (از عذاب حق) بترسانم. (۲۶)

I am merely a plain warner." (26)



فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً

که چون کافران آن عذاب سخت را نزدیک خود به چشم مشاهده کنند  
 Yet when they see it close at hand,

سَيِّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا

رخسار آنها (از خوف) زشت و سیاه شود  
 the faces of those who disbelieve will look wretched



# وَقِيلَ هَذَا الَّذِي

و به آنها گویند: این همان عذابی است  
and someone will say:



# كُنْتُمْ بِهِ تَدْعُونَ

که جداً درخواست می کردید. (۲۷)

"This is what you were appealing for!" (27)



قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِیَ اللّٰهُ

بگو: چه تصور می کنید؟ اگر خدا من و مؤمنانی که با منند  
**SAY: "Have you (all) considered whether God will wipe me out,**

وَمَنْ مَعِیَ أَوْ رَحِمَنَا

همه را هلاک کند یا لطف و رحمت فرماید  
**as well as anyone who is with me, or whether He will show us mercy?**

# فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ

آیا آنان که کافرند، چه کسی

Still who will shelter disbelievers

# مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ

از عذاب دردناک (دوزخ) نجاتشان خواهد داد؟ (۲۸)

from painful torment?" (28)





قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ  
ءَامِنًا بِهِ

بگو: (آن که من شما را به سوی او می خوانم) او خدای مهربان است

SAY: "It will be the Mercy-giving. We believe in Him

وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا

که ما به او ایمان آورده و بر او توکل کردیم

and on Him do we rely.



# فَسَتَعْلَمُونَ

و به زودی شما را معلوم شود

You will know



# مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

کیست که آشکارا به ضلالت و گمراهی است؟ (۲۹)

anyone who is in plain error." (29)



قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا

بگو: چه تصور می‌کنید؟ اگر آب (که مایهٔ زندگانی) شما (است) همه به زمین

SAY: "Have you considered who, if your water should sink

فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ ٣٠

فرو رود (جز خدا) کیست که باز آب روان و گوارا برای شما پدید آرد؟ (۳۰)

into the ground, will bring you any water from a spring?" (30)



سوره ۶۸ - ۵۲ آیه - مکی ﴿سُورَةُ الْقَلَمِ﴾

Surah 68: (Al-Qalam)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!





ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ ﴿١﴾

ن (قسم به نون که شاید نام نورو ناصر حق یا لوح نور خداست) و قسم به قلم (علم فعلی ازلی)

**N. By the pen and whatever they record, (1)**



مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ ﴿٢﴾

و آنچه (تا ابد در لوح محفوظ عالم) خواهند نگاشت. (۱) که تو به لطف و رحمت پروردگارت

**you, by your Lord's favor, are no madman! (2)**



وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ ﴿٣﴾

هرگز دیوانه نیستی. (۲) و البته تو را پاداشی نامحدود است. (۳)  
**You will receive payment which will never be withheld. (3)**

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ ﴿٤﴾

و در حقیقت تو به نیکو خلقی عظیم آراسته‌ای. (۴)  
**You have been [formed] with tremendous character, (4)**





فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ

و به زودی تو و مخالفانت مشاهده می کنید. (۵)  
so you will observe even as they observe, (5)

بِأَيِّكُمْ الْمَفْتُونُ

که از شما کدام یک (به اوهام و خیالات باطل) مفتون و دیوانه اند. (۶)  
which of you is being tested. (6)



إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ

البته خدایت داناتر است  
Your Lord is quite Aware as

بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ

که از راه خدا گمراه کیست  
to who has strayed from His path,





وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿٧﴾

و بهتر می داند که هدایت یافتگان عالم کیانند. (۷)  
just as He is quite Aware as to who are guided. (7)

فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ ﴿٨﴾

پس هرگز از مردم کافری که آیات خدا را تکذیب می کنند پیروی مکن. (۸)  
Do not obey rejectors; (8)



وَدُّوا لَوْ تُدْهِنَ فَيُدْهِنُونَ ﴿٩﴾

کافران بسیار مایلند که تو با آنها مداهنه و مدارا کنی (و متعرض بتهاشان نشوی) تا آنها هم  
they would love to have you shift about so they too may shift around. (9)

وَلَا تُطِيعُ كُلَّ حَالِفٍ مَّهِينٍ ﴿١٠﴾

(به نفاق) با تو مداهنه و مدارا کنند. (۹) و تو هرگز اطاعت مکن احدی از منافقان دون را که  
Do not obey every contemptible oathmonger, (10)



# هَمَّازٌ مَشَاءٍ بِنَمِيمٍ

۱۱

دائم (به دروغ) سوگند می خورند. (۱۰) و آن کس که دائم عیبجویی و سخن چینی می کند.  
**any faultfinder who goes around spreading gossip, (11)**

# مَنَاعٌ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ اِثْمٍ

۱۲

(۱۱) و خلق را هر چه بتواند از خیر باز می دارد و به ظلم و بدکاری می کوشد. (۱۲)  
**hindering good, defiant, vicious, (12)**



# عَتَلٍ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ

۱۳

با این همه عیب، باز متکبر است و خشن، با آنکه حرامزاده و بی اصل و نسب است. (۱۳)  
**brawling, and a bastard besides that (13)**

# أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ

۱۴

(پیرو چنین کسی) برای این که مال و فرزندان بسیار دارد (نباید شد). (۱۴)  
**even though he possesses both money and children. (14)**

# إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا

در صورتی که چون آیات ما را بر او تلاوت کنند  
Whenever Our verses are recited to him,

۱۵

# قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

گوید: این سخنان افسانهٔ پیشینیان است. (۱۵)  
he says. "Legends by primitive people!" (15)



# سَنَسِمْهُ وَعَلَى الْخُرْتُومِ ﴿١٦﴾

به زودی بر خرطوم و بینی اش داغ (شمشیر) نهیم. (این آیات در حق ولید مغیره عمّ ابوجهل

**We shall brand him on the snout! (16)**

## إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا

که روز بدر بر حسب وعده حق به شمشیر علی «ع» بینی اش بشکافت نازل آمد ولی بر هر که

**We shall test them just as We tested**



# أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا

مانند اوست تا ابد شامل است). (۱۶) ما کافران را (به قحط و سختی) آزمودیم چنان که اهل آن  
**the owners of the orchard when they swore**

۱۷

# لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ

بستان را آزمودیم، که قسم خوردند که صبحگاه میوه اش را بچینند (تا فقیران آگاه نشوند). (۱۷)  
**they would pick its fruit next morning (17)**



وَلَا يَسْتَتِنُونَ ﴿١٨﴾ فَطَافَ عَلَيْهَا

و هیچ استثناء نکردند (ان شاء الله نگفتند و به خواست خدا معتقد نبودند). (۱۸) بدین سبب  
and did not make any reservation about having a second chance; (18) so a

طَائِفٌ مِنْ رَبِّكَ وَ هُمْ نَائِمُونَ ﴿١٩﴾

همان شب هنوز به خواب بودند که از جانب خدا آتش عذابی نازل شد. (۱۹)  
calamity from your Lord came round to them while they were sleeping (19)



# فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ

۲۰

و بامدادان درختهای آن بستان چون خاکستری سیاه گردید. (۲۰)  
 and one morning it lay as if it had been already harvested! (20)

# فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ

۲۱

صبحگاه یکدیگر را صدا کردند. (۲۱)

Thus they called out to one another next morning: (21)



أَنْ اِغْدُوا عَلَى حَرْثِكُمْ

که برخیزید اگر میوهٔ بستان را خواهید چید

"Get out early to your crop

۲۲

إِنْ كُنْتُمْ صَارِمِينَ

به بستانتان روید. (۲۲)

if you [want to] harvest it!" (22)



# فَانْطَلَقُوا

آنها سوی بستان روان شده  
**They hurried off muttering**

۲۳

# وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ

و آهسته سخن می گفتند. (۲۳)  
**to one another: (23)**



أَنَّ لَا يَدْخُلْنَهَا الْيَوْمَ

که امروز مواظب باشید فقیری در این باغ  
 "Don't admit any needy person



عَلَيْكُمْ مِسْكِينٌ

بر شما وارد نشود. (۲۴)

in on you today!" (24)



وَ غَدَوَا عَلَى حَرْدٍ قَادِرِينَ ﴿٢٥﴾

و صبحدم با شوق و عزم و توانایی (بر منع فقیران) به باغ رفتند. (۲۵)  
So they went off early, grumbling yet ready for work! (25)

فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُونَ ﴿٢٦﴾

چون باغ را به آن حال دیدند با خود گفتند: (باغ ما نه اینست) ما یقین راه را گم کرده ایم؟ (۲۶)  
and when they saw it, they said: "We must be lost! (26)




بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ﴿٢٧﴾ قَالَ أَوْسَطُهُمْ

یا بلکہ (باغ همان است و) ما (به قهر خدا از میوه اش) محروم شده ایم؟ (۲۷) یک نفر بهترین اولاد

In fact, we feel destitute." (27) Someone more considerate among

أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ ﴿٢٨﴾

و عادلترین شان به آنها گفت: من به شما نگفتم چرا (شکر نعمت و) تسبیح و ستایش خدا را بجا

them said "Did I not tell you: 'Why do you not glorify [God]?' " (28) 

# قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا

نیاورید؟ (۲۸) آنان همه گفتند: خدای ما (از ظلم) منزّه است،

**They said: "Glory be to our Lord;**

# إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

۲۹

آری ما خود (در حق خویش) ستم کردیم. (۲۹)  
**we have been doing (something) wrong." (29)**



# فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ

و رو به یکدیگر کرده به ملامت  
**Still some of them pounced on others,**

# يَتَلَاوَمُونَ

۳۰

و نکوهش هم پرداختند. (۳۰)  
**blaming one another; (30)**







قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

گفتند: ای وای بر ما که سخت سرکش بودیم. (۳۱)

they said: "It's too bad for us; we have been so arrogant. (31)"

عَسَىٰ رَبِّنَا أَنْ يَبَدِّلَنَا خَيْرًا مِنْهَا

اینک امیدواریم که پروردگار ما به جای آن، بستان بهتری به ما عطا کند،

Perhaps our Lord will exchange it for something even better than

# إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا رَاغِبُونَ ﴿٣٢﴾

که (از این پس) ما همیشه به خدای خود مشتاقیم. (۳۲)  
**what we already have. We will plead with our Lord!" (32)**

## كَذَٰلِكَ الْعَذَابُ

این گونه است عذاب (دنیا)

**Such is torment,**



# وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ ج

و البته عذاب آخرت بسیار سخت تر است  
 although torment in the Hereafter will be even greater

لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ع



اگر مردم بدانند. (۳۳)  
 if they only realized it. (33)



إِنِ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ

(در آخرت) برای متقیان نزد پروردگارشان

The heedful will have gardens of bliss

جَنَّاتٍ النَّعِيمِ ۳۴

باغهای بهشت پرنعمت خواهد بود. (۳۴)

alongside their Lord. (34)



# أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ

آیا هرگز اهل اسلام را با کافران بدکار

Are We to treat Muslims



# كَالْمُجْرِمِينَ

یکسان قرار می دهیم؟ (۳۵)

as if they were criminals? (35)



# مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿٣٦﴾

شما را چیست؟ چگونه شما (این چنین) حکم (ظالمانه) می کنید؟ (۳۶)  
**What is wrong with you? How do you decide matters? (36)**

# أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ ﴿٣٧﴾

آیا شما را کتابی است (آسمانی) که در آن این حکم می خوانید؟ (۳۷)  
**Or do you have some book to study from? (37)**



۳۸  
 إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ

که هر آنچه به هوای نفس بخواهید شما را فراهم است؟ (۳۸)

Do you have whatever you select from it? (38)

أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بِالِغَةِ

یا شما را بر ما (به عدم عقاب) عهد و سوگند دائمی

Or do you have some pledge binding on Us



# إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

تا روز قیامت است  
until Resurrection Day

إِنَّ لَكُمْ لِمَا تَحْكُمُونَ ۝ ۳۹

که هر چه حکم فرمایید به یقین بر شما فراهم است؟ (۳۹)  
that you shall have whatever you decide upon?" (39)





سَلِّمْ عَلَيْهِمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ ﴿٤٠﴾

از آنان بپرس تا کدام ضامن این پیمانند؟ (۴۰)

Ask them which of them will lay claim to that. (40)

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ

یا آنها گواهانی (بر دعوی خود) دارند؟

Or do they have associates [along with God]? Well, let them bring on



إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ

اگر راست می‌گویند آن گواهان را حاضر کنند. (۴۱)  
**their associates if they are so truthful. (41)**

يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ

در آن روز بسیار سخت  
**Some day when their shinbone will be laid bare**



وَيَدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ

به سجدۀ خدا خوانده شوند

and they will be called upon to bow down on their knees,

۴۲

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ

و نتوانند. (۴۲)

and they will not manage to; (42)



# خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ

چشمانشان ذلیل و ترسان،  
with their eyes cast down,

# تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ

ذلت و حسرت آنها را فرا گرفته  
disgrace will overwhelm them.



وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ

و از این پیش (در دنیا) با تن سالم

They had been called upon to bow down on their knees

۴۳

وَهُمْ سَالِمُونَ

به سجده خدا آنها را می خواندند (ولی اجابت نکردند). (۴۳)

while they still felt safe. (43)



فَذَرْنِي وَمَنْ يُكْذِبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ

(ای رسول، تو کیفر) مکذبان و منکران قرآن را به من واگذار

**Leave Me Alone as well as anyone who rejects this account:**

سَنَسْتَدْرِجُهُمْ

که ما آنها را از آنجا که نفهمند

**We will lead them**



# مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ٤٤

(و گمان نعمت کنند) به عذاب سخت در افکنیم. (۴۴)  
 on gradually by means they do not recognize. (44)

# وَأَمْلِي لَهُمْ إِنْ كَيْدِي مَتِينٌ ٤٥

و آنها را مهلت دهم که البته کید من قوی و بسیار سخت است. (۴۵)  
 I shall even put up with them for a while; for My plan is certain. (45)

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا

آیا تو از کافران امت مزد رسالت خواهی  
Or are you asking them for some fee

فَهُمْ مِنْ مَّغْرَمٍ مُثْقَلُونَ

۴۶

که بار غرامتش بر آنها گران است؟ (۴۶)  
while they are weighted down with debt? (46)







أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ

یا آنکه از عالم غیب آگاهند تا از آنجا چیزی بر نویسند؟ (۴۷)

Or do they hold the Unseen which they are writing down? (47)

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ

باز تو برای حکم خدای خود صبر کن

Be patient with your Lord's decision



وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ

و مانند صاحب ماهی (یونس که از خشم در عذاب امت تعجیل کرد) مباش که (عاقبت پشیمان  
and not like the Whale's Companion

إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ ۚ

۴۸

شد و در ظلمت زندان شکم ماهی افتاد و) به حال غم و اندوه (خدا را بر نجات خود) خواند. (۴۸)  
when he called out as he felt stifled. (48)



لَوْلَا أَنْ تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ

که اگر لطف و رحمت پروردگارش در نیافتی

If favor from his Lord had not reached him, he would have been

لَنْبِذٍ بِالْعُرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ ٤٩

با نكوهش به صحرای بی آب و گیاه در افتادی (و هلاک شدی). (۴۹)

flung upon the empty beach while he was still to blame. (49)



فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ وَ

باز (چون به درگاه حق نالید) خدایش برگزید

His Lord picked him out

۵۰

فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ

و از صالحانش گردانید. (۵۰)

and placed him with honorable people. (50)



وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ

البته نزدیک است که کافران به چشمان (بد) خود (چشم زخمت زنند و)

**The ones who disbelieve almost trip you up by glaring**

بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ

از پایت در آورند، آن‌گاه که آیات قرآن بشنوند و (چون در فصاحتش حیرت کند

**at you whenever they hear the Reminder,**



وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ ﴿٥١﴾

از شدت حسد) گویند که این شخص عجب دیوانه است. (۵۱)  
and they say: "He's deranged!" (51)

وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٥٢﴾

در حالی که این کتاب الهی جز ذکر و پند و حکمت برای عالمیان هیچ نیست. (۵۲)  
Yet it is merely a Reminder to [everybody in] the Universe. (52)

سوره ۶۹ - ۵۲ آیه - مکی ﴿سُورَةُ الْحَاقَّةِ﴾

Surah 69: (Al-Haaqqa)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!



# أَحَقُّقَةٌ ۱ مَا الْحَقُّقَةُ ۲

قیامت آن روز حق و حقیقت است (که حقوق خلق و حقایق امور در آن به ظهور رسد). (۱) آن روز حق  
**Reality! (1) What is reality? (2)**

# وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَقُّقَةُ ۳

و حقیقت چه (روز هولناک سختی) است؟ (۲) چگونه سختی و عظمت آن روز را درک توانی کرد؟ (۳)  
**What will make you recognize what reality is like? (3)**





# كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَ عَادُ بِالقَارِعَةِ

قوم عاد و ثمود آن روز کوبنده را تکذیب کردند. (۴)

Thamud and 'Ad denied [they would face] disaster. (4)



# فَآمَّا ثَمُودُ فَأَهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ

اما قوم ثمود به کیفر طغیان هلاک شدند. (۵)

As for Thamud, they were wiped out by the Thunderbolt. (5)



# وَأَمَّا عَادُ

اما قوم عاد نیز

As for 'Ad,

فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ ۖ

به بادی تند و سرکش به هلاکت رسیدند. (۶)

they were wiped out by a furiously howling gale. (6)



سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ

که آن باد تند را خدا  
He loosed it on them

سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا

هفت شب و روز پی در پی بر آنها مسلط کرد  
for seven grueling nights and eight days.



# فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى

که دیدی آن مردم گویی ساقه نخل خشکی بودند

You would see folk collapsing in it

كَانَهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ ۷

که به خاک درافتادند. (۷)

as if they were hollow palm trunks. (7)



# فَهَلْ تَرَى لَهُمْ

آیا هیچ بینی که

Do you see

مِنْ بَاقِيَةٍ ٨

(دیگر به روزگار) از آنان اثری باشد؟ (۸)

any survivors from them? (8)



وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ

و فرعون و اقوام پیش از او و مردم آن آبادیهای زیر و رو شده  
Pharaoh came, as well as those before him,

وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ ۙ

(یعنی قوم زشتکار لوط) به کفر و خطاکاری برخاستند. (۹)

and the places Overthrown through [their own] misdeeds; (9)



# فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ

و با رسول پروردگارشان مخالفت کردند،  
they defied their Lord's messenger,

# فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَابِيَةً

۱۰

خدا هم آنان را به عذابی سخت گرفتار ساخت. (۱۰)  
so He seized them with a tightening grip. (10)



# إِنَّا لَمَّا طَغَا الْمَاءُ

(شما مردم فرزندان نوحید که) ما چون طوفان دریا طغیان کرد

**When the water overflowed,**

# حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ

۱۱

شما را به کشتی نشانیدیم (و نجاتتان دادیم). (۱۱)

**We loaded you on the vessel, (11)**





# لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذِكْرًا

تا آن (غرق کفار و نجات مؤمنان) را مایهٔ پند و عبرت شما مردم قرار دهیم  
 so We might set it up as a Reminder for you

# وَتَعِيَهَا أذُنٌ وَّاعِيَةٌ



و لیکن گوش شنوای هوشمندان این پند و تذکر را تواند فرا گرفت. (۱۲)  
 and so (your) attentive ears might retain it. (12)



# فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ

باز (به یاد آر) چون در صور (اسرافیل)

**When a single blast is blown**

نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ ۱۳

یک بار بدمند. (۱۳)

**on the Trumpet (13)**



وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ

و زمین و کوه‌ها را بردارند

and the earth is lifted up along with the mountains

فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً ۱۴

و یک مرتبه همه را خرد و متلاشی سازند. (۱۴)

and they are both flattened by a single blow, (14)



# فِيَوْمِئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ

۱۵

آن گاه آن واقعه بزرگ قیامت واقع گردد. (۱۵)  
 the Event will take place on that day! (15)

# وَأَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ

و بنای مستحکم آسمان  
 The sky will split open



# فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَّاهِيَةٌ ﴿١٦﴾

(از دهشت و عظمت) آن روز سست شود و سخت درهم شکافد. (۱۶)  
and seem flimsy that day; (16)

## وَالْمَلَائِكَةُ عَلَىٰ أَرْجَائِهَا ج

و فرشتگان بر اطراف آسمان (منتظر فرمان حق) باشند  
while angels [will stand] along its edges.



وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ

و عرش پروردگارت را در آن روز

**Eight [in all] will bear your Lord's throne**

فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ

۱۷

هشت ملک مقرب بر فراز سرشان (یا فراز سر مردم) بردارند. (۱۷)

**above them on that day. (17)**



# يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ

آن روز که (در پیشگاه حساب) شما را حاضر کنند

On that day you will (all) be arraigned;

# لَا تَخْفَى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ

۱۸

هیچ کار از اسرار مخفی شما هم پنهان نخواهد ماند. (۱۸)

no secret of yours will remain hidden. (18)



فَمَا مِنْ أُوْتِي كِتَابَهُ وَيَمِينِهِ

اما کسی که نامه اعمال او را به دست راستش دهند (با کمال نشاط و

Anyone who is given his book in his right hand

فَيَقُولُ هَآؤُمِ اقْرَءُوا كِتَابِيَهٗ ۱۹

شادمانی و سربلندی به اهل محشر) گوید: بیا بید نامه مرا بخوانید. (۱۹)

will say: "Here, read my book! (19)







إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَّهِ

من ملاقات این روز حسابم را اعتقاد داشتم (و در دنیا به گناه نپرداختم). (۲۰)

**I always thought I would face my reckoning!" (20)**

فَهُوَ فِي عَيْشَةٍ رَاضِيَةٍ

این چنین کس در عیش و زندگانی خوش خواهد بود. (۲۱)

**He will be in pleasant living (21)**



# فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۲۲

در بهشت عالی رتبه (ابدی). (۲۲)  
in a lofty garden (22)

# قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ ۲۳

که میوه‌های آن همیشه در دسترس (بهشتیان) است. (۲۳)  
whose clusters [of fruit] will hang within easy reach. (23)



# كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا

(و خطاب رسد که) از طعام و شرابه‌های لذیذ و گوارای بهشتی هر چه خواهید تناول کنید، شما

"Eat and drink to your heart's content"

# بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ

۲۴

را گوارا باد، که این پاداش اعمال ایام گذشته دنیا است که (بر امروز خویش) پیش فرستادید. (۲۴)

because of what you sent on ahead in bygone days." (24)



وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَبِشِمَالِهِ

و اما آن کس که کتاب عملش به دست چپ دهند

However anyone who is given his book in his left hand

فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيهِ ۲۵

(با کمال شرمندگی و اندوه) گوید: ای کاش نامه مرا به من نمی دادند. (۲۵)

will say: "It's too bad for me; if only my book had not been given me, (25)"

وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيهِ ۲۶

و من هرگز از حساب اعمالم آگاه نمی شدم. (۲۶)  
I would not have known my reckoning! (26)

يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ ۲۷

ای کاش مرگ مرا از چنگ این غصه و عذاب نجات می داد. (۲۷)  
If it had only been the Sentence [once and for all]! (27)



س  
 مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيهِ ۲۸

(ای داد که) مال و ثروت من امروز به فریاد من نرسید. (۲۸)

**My money has not helped me out; (28)**

هَلَّلَا عَنِّي سُلْطَانِيهِ ۲۹

همه قدرت و حشمتم نابود گردید. (۲۹)

**My authority has been wiped out on me." (29)**



# خُذُوهُ فَغُلُّوهُ

۳۰

(و خطاب قهر رسد که) او را بگیریید و در غل و زنجیر کشید. (۳۰)  
**"Take him off and handcuff him! (30)"**

# ثُمَّ اجْعَلْهُ فِي سَعِيرٍ

۳۱

تا بازش به دوزخ در افکنید. (۳۱)  
**Then let Hades roast him! (31)"**



ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا

آن‌گاه به زنجیری که طولش

Then padlock him to a chain

سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ

هفتاد ذراع است (به آتش) در کشید. (۳۲)

gang seventy yards long. (32)





۳۳

إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ

که او به خدای بزرگ ایمان نیاورده. (۳۳)  
He did not believe in God Almighty (33)

۳۴

وَلَا يَجُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ

و هرگز مسکینی را بر سفرهٔ طعام خود به رغبت نخوانده است. (۳۴)  
nor ever urge [others] to feed the needy. (34)



# فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ

بدین سبب امروز هیچ خویش و دوستداری

**He has no close friend**

# هَهِنَا حَمِيمٌ

۳۵

که به فریادش رسد در اینجا ندارد. (۳۵)

**here today, (35)**



۳۶

وَلَا طَعَامٍ إِلَّا مِنْ غِسْلِينَ

و طعامی غیر از غسلین (چرک و پلیدی دوزخیان) نصیبش نیست. (۳۶)  
nor any food except for some garbage (36)

۳۷

لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ

و آن طعام را کسی جز اهل دوزخ نمی خورد. (۳۷)  
which only sinners eat." (37)



فَلَا أَقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ

۳۸

قسم به آنچه (از آثار حق) می بینید. (۳۸)

Yet I swear by whatever you observe (38)

وَمَا لَا تُبْصِرُونَ

۳۹

و آنچه نمی بینید. (۳۹)

and what you do not observe, (39)



# إِنَّهُ وَلَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ

۴۰

که قرآن به حقیقت (وحی خدا و) کلام رسول بزرگواری است. (۴۰)  
**that it is a statement [made] by a noble messenger. (40)**

# وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ

و آن نه سخن شاعری (و گفتار خیالی و موهومی) است (گرچه)  
**It is no poet's statement;**



قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ ﴿٤١﴾ وَلَا يَقُولُ كَاهِنٌ

اندکی از شما مردم به آن ایمان می آورید. (۴۱) و نه حرف کاهن غیبگوست  
how little do you believe! (41) Nor is it some fortune teller's statement;

قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ ﴿٤٢﴾

(گر چه) اندکی از شما مردم متذکر حقایق آن می شوید. (۴۲)  
how little do you think things over! (42)



# تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ

این قرآن تنزیل خدای عالمیان است. (۴۳) و اگر (محمد صلی الله علیه  
 [It is] something sent down by the Lord of the Universe. (43)

# وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ

و آله و سلم) از دروغ به ما برخی سخنان را می بست، (۴۴)

If he had mouthed some [false] statements about Us, (44)



۴۵

لَاخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ

محققاً ما او را (به قهر و انتقام) از یمینش می‌گرفتیم. (۴۵)

We would have seized him by the right hand; (45)

۴۶

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ

و رگ وتینش را قطع می‌کردیم. (۴۶)

then cut off his main artery. (46)





۴۷

فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ

و شما هیچ یک بر دفاع از او قادر نبودید. (۴۷)

Not one of you would have prevented it! (47)

۴۸

وَإِنَّهُ لَتَذَكُّرٌ لِّلْمُتَّقِينَ

و این قرآن به حقیقت پند و تذکر پرهیزکاران عالم است. (۴۸)

It is a Reminder for the heedful: (48)



۴۹

وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ

و البته ما می دانیم که شما برخی تکذیب آن می کنید. (۴۹)

**We know too that some of you will reject it. (49)**

۵۰

وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ

و تکذیبش عاقبت مایه ندامت کافران است. (۵۰)

**It means despair for disbelievers; (50)**



۵۱

وَإِنَّهُ وَلِحَقُّ الْقَائِلِ

و این حق و حقیقت محض است. (۵۱) پس به نام  
yet it is the absolute Truth! (51)

۵۲

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

خدای بزرگوار خود تسبیح گوی و آن را به ستایش یاد کن. (۵۲)  
So hymn your Lord's almighty name! (52)



سوره ۷۰ - ۴۴ آیه - مکی ﴿سُورَةُ الْمَعَارِجِ﴾

Surah 70: (Al-Ma'aarij)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the name of God, the Mercy giving, the Merciful!



# سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ۱

سائلی از عذاب قیامت که وقوعش حتمی است (از رسول) پرسید (که آن عذاب چه مردمی

**A skeptic was asking about torment that is bound to happen (1)**

# لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ وَدَافِعٍ ۲

راست)؟ (۱) (بداند که) برفرقه کافران است و هیچ کس از آنان دفع نتواند کرد. (۲)

**to disbelievers; there will be no defence against it (2)**



# مِنْ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ ۳

که آن عذاب از (قهر) خدای مالک آسمانهاست (یا مراد، عذاب واقع بر  
[since it comes] from God Who owns the staircases leading upward. (3)

## تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ

نعمان بن حارث است). (۳) فرشتگان و روح الامین (برای اخذ فرمان  
The angels and the Spirit will climb up to Him



# فِي يَوْمٍ كَانَتْ مِقْدَارُهُ وَ

به سوی (عرش) خدا بالا روند در روزی که  
on a day whose range is

# خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ٤

مدتش پنجاه هزار سال خواهد بود. (۴)  
fifty thousand years. (4)



# فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا



پس صبر نیکو پیش گیر. (۵)

**So act patient with a handsome patience! (5)**

# إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ وَبَعِيدًا



که این مردم آن روز را بسیار دور (از امکان) بینند. (۶)

**They consider it is far away (6)**





وَنَرَاهُ قَرِيبًا ۷

و ما نزدیک (به وقوع) می بینیم. (۷)  
while We see it as nearby (7)

يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ ۸

روزی که آسمان چون فلز گداخته شود. (۸)  
on a day when the sky will be like molten brass (8)



وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ ۹

و کوه‌ها مانند پشم زده متلاشی گردند. (۹)  
and the mountains like tufts of yarn. (9)

وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا ۱۰

و هیچ کس از خویش خود جويا نشود. (۱۰)  
No close friend will question any [other] friend; (10)



وَيَبْصُرُونَهُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ الْمَجْرِمِ لَوْ يَفْتَدِي

چون حقیقت حالشان به آنها بنمایند آن روز کافر بدکار آرزو کند که کاش  
they will merely give each other a knowing look. A criminal might like

مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بَيْنِهِ (۱۱)

توانستی فرزندانش را فدای خود سازد و از عذاب برهد. (۱۱)

to ransom himself from that day's torment through his children, (11)

۱۲

وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ

و هم زن و برادرش. (۱۲)

his wife, a brother of his, (12)

۱۳

وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ

و هم خویشان و قبیله اش را که همیشه حمایتش می کردند. (۱۳)

his family circle which has sheltered him, (13)



# وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا

و هر که را روی زمین است خواهد همه را فدای خویش کردند  
 and everyone who is on earth if [such action] might

## ثُمَّ يُنَجِّهِ

۱۴

تا مگر او را (از آن عذاب) برهاند. (۱۴)  
 then save him. (14)



# كَلَّا إِنَّهَا لَنظَىٰ ۝۱۵

و هرگز نجات نیابد که آتش دوزخ بر او شعله ور است. (۱۵)

**Of course not; it would flare up (15)**

# نَزَاعَةَ لِّلشَّوْىِ ۝۱۶

تا سر و صورت و اندامش پاک بسوزد. (۱۶)

**tugging at his scalp, (16)**



# تَدْعُوا مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّى

۱۷

دوزخ کسی را می خواند که از خدا رو گردانیده و با حق مخالفت کرده. (۱۷)  
**claiming anyone who tries to escape and turns away, (17)**

# وَجَمَعَ فَأَوْعَى

۱۸

و مال دنیا را جمع کرده و همه را ذخیره نموده است. (۱۸)  
**through saving (things) up and hoarding (them). (18)**



۱۹

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا

که انسان مخلوقی طبعاً سخت حریص و بی صبر است. (۱۹)

Man has been created restless, (19)

۲۰

إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا

چون شر و زبانی به او رسد سخت جزع و بی قراری کند. (۲۰)

so he panics whenever any evil touches him, (20)





وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا ۚ

۲۱

و چون مال و دولتی به او رو کند منع (احسان) نماید. (۲۱)  
and withdraws when some good touches him; (21)

إِلَّا الْمُصَلِّينَ

۲۲

مگر نمازگزاران حقیقی. (۲۲)  
except for the prayerful (22)





الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ

آنان که دائم در نماز (و طاعت الهی) عمر گذرانند. (۲۳)

who are constant at their prayers (23)



وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ

و آنان که در مال و دارایی خود حقی معین و معلوم گردانند. (۲۴)

and whose wealth comprises an acknowledged responsibility (24)



# لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ

تا به فقیران سائل و فقیران آبرومند محروم رسانند. (۲۵)  
**towards the beggar and the destitute; (25)**

# وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ

و آنان که روز قیامت و جزا را تصدیق کنند. (۲۶)  
**and the ones who accept the Day for Repayment, (26)**



وَالَّذِينَ هُمْ

و آنان که  
and those

مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ ۲۷

از قهر و عذاب خدای خویش سخت ترسانند. (۲۷)  
who are apprehensive about their Lord's torment— (27)



۲۸

إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ

که از عذاب خدا هیچ کس ایمن نتواند بود. (۲۸)

(their Lord's torment is nothing to feel too safe from!)— (28)

۲۹

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَفْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ

و آنان که اندام خود را (از شهوت رانی) نگاه می دارند. (۲۹)

and the ones who preserve their chastity, (29)



إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ

مگر بر زنان حلال و کنیزان ملکی خویش

except with their own spouses or those living under

۳۰

أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ

که (از اعمال شهوت با آنها) هیچ ملامت ندارند. (۳۰)

their control; with such they are blameless. (30)



فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ

و هر که غیر از این جوید

Those who desire [to go] beyond that,

فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿٣١﴾

اینان به حقیقت متعدی و ستمکارند. (۳۱)

will be going too far— (31)



وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ

و آنان که امانت و عهد  
and the ones who preserve

۳۲

وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ

و پیمانشان را رعایت کنند. (۳۲)  
their trusts and oaths, (32)





# وَالَّذِينَ هُمْ

و آنان که

and the ones

بشهاداتهم قائمون

۳۳

برای گواهی به حق قیام کنند. (۳۳)

who stand by their testimony, (33)



وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ

و آنان که نماز خود را (به وقت و شرایط و حضور قلب) محافظت کنند. (۳۴)  
and the ones who attend to their prayer— (34)

أُولَئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ

آنان در باغها (ی بهشت ابد) با عزت و احترام متنعمند. (۳۵)  
those will be honored in gardens. (35)



۳۶

# فَمَا لِلَّذِينَ كَفَرُوا قَبْلَكَ مُهْطِعِينَ

(ای رسول) چه شده است کافران را که (با تمسخر) به جانبت می شتابند؟! (۳۶)

Yet what is wrong with those who disbelieve, that they should try to

۳۷

# عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ

از راست و چپ گروه گروه (باز پراکنده می شوند و به دین خدا نمی گروند). (۳۷)

dash on ahead of you (36) in batches to the right and on the left? (37)

أَيُّطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ

آیا هر یک طمع دارند که باز آنها را  
Does every man among them aspire

۳۸

أَنْ يَدْخُلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ

در بهشت با ناز و نعمت داخل کنند؟! (۳۸)  
to enter the Garden of Bliss? (38)



# کَلَّا

هرگز این نشود (چون) آنها خود می دانند که ما آنها را از چه (نطفه پستی) آفریده ایم (باز به

**Of course not!**

إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا يَعْلَمُونَ ۳۹

آفریننده خود ایمان نمی آورند و به کفر می شتابند و طمع دارند که چون مؤمنان به بهشت روند). (۳۹)

**We created them out of something they well know. (39)**



فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ

چنین نیست، سوگند به خدای مشرق‌ها

And I do swear by the Lord of the Eastern places

۴۰

وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ

و مغرب‌ها که ما قادریم. (۴۰)

and the Western places that We are Able (40)



عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ خَيْرًا مِنْهُمْ

که به جای آنها خلقی بهتر از آنها بیافرینیم  
to replace them with someone better than they are.

وَمَا نَخْرُجُ بِمَسْبُوقِينَ ﴿٤١﴾

و هرگز کسی (به قدرت و قوت) بر ما سبقت نخواهد یافت. (۴۱)  
We shall never be overruled! (41)



فَذَرَهُمْ مَخْرُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ

پس آنها را به کفر و ضلالت خود بگذار که به بازیچه دنیا

Leave them speculating and playing around until

يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ ٤٢

دل بازند تا با روزی که وعده عذاب آنهاست روبه رو شوند. (۴۲)

they face their day which they have been promised, (42)





يَوْمَ يُخْرِجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا

آن روزی که به سرعت سر از قبرها برآورده،

the day when they will hasten forth from their graves as

كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نَصَبٍ يُوَفِّضُونَ ۚ

۴۳

گویی به سوی بتها (و نتیجه پرستش غیر خدا) می شتابند. (۴۳)

if they were rushing towards some objective, (43)



خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهُقُهُمْ ذِلَّةٌ

در حالی که چشم‌هایشان (از هول و وحشت قیامت) به خواری فرو افتاده و ذلت (کفو)   
 their eyesight cast down, disgrace overshadowing them

ذَلِكَ الْيَوْمِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ

عصیان) بر آنها احاطه کرده، این همان روزی است که به آنها وعده می‌دادند. (۴۴)   
 on that day which they have been threatened with! (44)



سوره ۷۱ - ۲۸ آیه - مکی ﴿سُورَةُ نُوحٍ﴾

Surah 71: (Nooh)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!



إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ

ما نوح را به سوی قومش (به رسالت) فرستادیم

**We sent Noah to his people:**

أَنْ أَنْذِرَ قَوْمَكَ

که قوم خود را (از قهر خدا) به اندرز و پند بترسان

**"Warn your people**



مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١﴾

از آنکه بر آنان عذاب دردناک فرا رسد. (۱) نوح گفت: ای قوم، من برای  
before some painful torment comes to them!" (1)

قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٢﴾

شما رسولی هستید که شما را با بیانی روشن از عذاب قهر خدا می‌ترسانم. (۲)  
He said: "My folk, I am a plain warner for you: (2)



# أَنْ اَعْبُدُوا اللَّهَ

(و از راه خیرخواهی به شما می‌گویم) که خدای را به یکتایی پرستید

serve God

# وَ اتَّقَوْهُ وَأَطِيعُوا

و از او بترسید و پرهیزکار باشید و مرا پیروی کنید. (۳)

and heed Him, and obey me! (3)



يَغْفِرُ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ

تا خدا به لطف و کرم از گناهان شما درگذرد

He will forgive some of your offences for you

وَيُؤَخِّرُكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ج

و اجلتان را تا وقت (عمر طبیعی) معین به تأخیر افکند،

and postpone things for you until a specific deadline.



إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ

که اجل الهی چون وقتش فرا رسد

God's deadline will never be postponed once it comes,



لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

اگر بدانید دگر هیچ تأخیر نیفتد. (۴)

if you only realized it." (4)





قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي

(و او به درگاه خدا نالید و) گفت: بارالها، من قوم خود را  
**He said: "My Lord, I have appealed to my people**

لَيْلًا وَ نَهَارًا ۝

شب و روز دعوت کردم. (۵)  
**night and day (5)**





فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا

اما دعوت و نصیحتهم جز بر فرار و اعراض آنها نیفزود. (۶)

and my appeal has only made them flee farther away from me. (6)

وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ

و هر چه آنان را به مغفرت

Each time I appeal to them to ask You



لِتَغْفِرَ لَهُمْ

و آمرزش تو خواندم،  
to forgive them,

جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ

انگشت بر گوش نهادند  
they stick their fingers in their ears



# وَاسْتَعْشُوا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا

و جامه به رخسار افکندند (تا مرا نبینند و سختم را نشنوند) و (بر کفر) اصرار  
and try to wrap themselves up in their clothing. They persist in that

# وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا ۷

و لجاج ورزیدند و سخت راه تکبر و نخوت پیمودند. (۷)  
and have become so overbearing! (7)



ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتَهُمْ جَهَارًا ۝ (۸) ۝ ثُمَّ إِنِّي

باز هم آنها را به صدای بلند دعوت کردم. (۸) و آن‌گاه آشکار

"Next I appealed to them publicly; (8) then I

أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا ۝ (۹)

و علنی خواندم و در خلوت و پنهانی خواندم (به هیچ وجه اثری نکرد). (۹)

broadcast it to them, and confided with them privately (9)



فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ

باز گفتم: به درگاه خدای خود توبه کنید و آمرزش طلبید  
and said: Seek forgiveness from your Lord;

إِنَّهُ وَكَانَ غَفَّارًا ۱۰

که او بسیار خدای آمرزنده‌ای است. (۱۰)  
He has been so Forgiving. (10)





يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا

تا باران آسمان بر شما فراوان نازل کند. (۱۱)

He causes the sky to send torrents down upon you (11)

وَيُمِدُّكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ

و شما را به مال بسیار و پسران متعدد مدد فرماید

and He supplies you with wealth and children,



وَيَجْعَلُ لَكُمْ جَنَّاتٍ

و باغهای خرم

and grants you gardens

وَيَجْعَلُ لَكُمْ أَنْهَارًا

۱۲

و نهرهای جاری به شما عطا کند. (۱۲)

and even grants you rivers. (12)







مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا

چرا شما مردم خدای را به عظمت و وقار باور ندارید؟ (۱۳) و حال آنکه او  
 "What is wrong that you do not expect God to have any dignity (13)



وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا

شما را (از نطفه‌ای) به انواع خلقت و اطوار گوناگون (مراتب آدمیت) بیافرید. (۱۴)  
 while He has created you over and over again? (14)



# أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ

آیا ندیدید که خدا چگونه هفت آسمان را

**Have you not (all) considered how God created**

# سَبْعَ سَمَوَاتٍ طِبَاقًا ۱۵

به طبقاتی (بسیار منظم و محکم) خلق کرد، (۱۵)

**seven matching Heavens? (15)**



وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا

و در آن آسمانها ماه شب را فروغی تابان  
He has set the moon as a light among them,

وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا

۱۶

و خورشید روز را چراغی فروزان ساخت؟ (۱۶)  
and set the sun up as a source of light. (16)



وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ

و خدا شما را مانند

God makes you grow out

۱۷ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا

نباتات مختلف از زمین برویابید. (۱۷)

of the earth like plants; (17)



ثُمَّ يَعِيدُكُمْ فِيهَا

آن‌گاه بار دیگر (پس از مرگ) به زمین باز گرداند  
later He will return you to it,

وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا

و دیگر بار هم شما را (از خاک به روز حساب) برانگیزد. (۱۸)  
and bring you forth once more. (18)





وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطًا

و خدا زمین را برای شما چون بساط (پرنعمت) بگسترانید. (۱۹)  
 "God has laid the earth out as a carpet for you, (19) so you may



لِتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَا جَا ع

تا در زمین راههای مختلف وسیع بیمایید. (۲۰)  
 travel around on highways which lead through mountain passes." (20)

قَالَ نُوحٌ رَّبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي

نوح گفت: پروردگارا (با این همه تبلیغ و دعوت و اتمام حجت باز) این قوم مرا  
 Noah said: "My Lord, they have defied me

وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَوَلَدَهُ

مخالفت کردند و پیرو کسی (از ثروتمندان) شدند که او خود مال و فرزندش هم  
 and followed after someone whose money and children



# إِلَّا خَسَارًا ۲۱

جز بر زیانش نیفزود. (۲۱)

will only increase [their chance of] losing. (21)

# وَمَكْرُوا مَكْرًا كَبِيرًا ۲۲

و (بر ضد من) بزرگترین مکر و حيله به کار بردند. (۲۲)

They have hatched a great plot (22)





وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ

و گفتند: هرگز خدایان خود را رها نکنید  
and said: 'Do not forsake your gods:

وَلَا تَذَرُنَّ وُدًّا وَلَا سُوعًا

و به خصوص دست از پرستش (این پنج بت) وُدّ و سُوع  
do not leave Wadd, nor Suwa',





وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا

و یغوث و یعوق و نسر هرگز برمدارید. (۲۳)  
 nor Yaghuth, nor Ya'uq, nor Nasr!' (23)

وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا

و آنها بسیاری از خلق را گمراه کردند،  
 They have led so many astray;





# وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا

و تو ستمکاران را هیچ جز بر ضلالت و عذابشان میفزای. (۲۴)  
**just let wrongdoers go even farther astray!" (24)**

## مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا

آن قوم از کثرت کفر و گناه عاقبت به آب دریا غرق شدند  
**Because of their mistakes, they were drowned**



فَادْخِلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهَا

و به آتش دوزخ در افتادند و جز خدا  
and despatched into the Fire. They did not find they had

مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا

۲۵

بر خود هیچ یار و یاری نیافتند. (۲۵)  
any supporters apart from God. (25)



وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ

و نوح عرض کرد: پروردگارا از این کافران،

Noah said: "My Lord, do not leave any disbelievers

مِنَ الْكٰفِرِيْنَ دِيَّارًا ۲۶

دیّاری بر روی زمین باقی مگذار. (۲۶)

with homes upon the earth. (26)



إِنَّكَ إِنْ تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ

که اگر از آنها هر که را باقی گذاری بندگان (پاک با ایمان) تو را گمراه می کنند  
**If You should leave them any, they will lead Your servants astray**

وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فُجَرًا كَفَّارًا

و فرزندى هم جز بدکار و کافر از آنان به ظهور نمى رسد. (۲۷)  
**and will only breed loose-living disbelievers. (27)**



رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ

بارالها، مرا و پدر و مادر من

My Lord, forgive me and my parents,

وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا

و هر که با ایمان به خانه (یا به کشتی) من داخل شود

as well as anyone who enters my house as a believer,



# وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

و همه مردان و زنان با ایمان عالم را ببخش و پیامرز  
plus believing men and believing women!

# وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا

و ستمکاران را جز بر هلاک و عذابشان میفزای. (۲۸)

Do not increase wrongdoers in anything except destruction." (28)





سوره ۷۲ - ۲۸ آیه - مکی ﴿ سُورَةُ الْجِنِّ ﴾

Surah 72: (Al-Jinn)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!



قُلْ أَوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ

(ای رسول ما) بگو: مرا وحی رسیده که گروهی از جنیان (آیات قرآن را هنگام قرائت من)

SAY: "It has been revealed to me that a band of sprites sat listening,

فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا ۱

استماع کرده اند و پس از شنیدن گفته اند که ما از قرآن آیات عجیبی شنیدیم. (۱)

and then said: 'We have heard a wonderful Reading (1)



يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ

که به راه خیر و صلاح هدایت می‌کند، بدین سبب ما به آن ایمان آورده  
guiding [people] to normal behavior, so we have believed in it.

وَلَنْ نُّشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا

و دیگر هرگز به خدای خود مشرک نخواهیم شد. (۲)

Not one of us will ever associate anyone else with our Lord. (2)



وَ أَنَّهُ وَ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا

و همانا بسیار بلند مرتبه است شأن و اقتدار پروردگار ما، او همجفت  
Our Lord's excellence must be exalted!

مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا



و فرزندی هرگز نگرفته (و از این آرایشهای جسمانی پاک و مبرا) است. (۳)  
He has taken no consort nor any son. (3)



وَ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ

و البته سفیهان و بی خردان ما به خدا دروغ می بستند

Some fool among us

سَفِيهِنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا ٤

(که به او فرزندی مسیح و عزیر و فرشتگان را نسبت دادند). (۴)

has been saying outrageous things about God. (4)



وَإِنَّا ظَنَنَّا أَن لَّن نَّقُولَ الْإِنسُ

و ما چنين می پنداشتيم که هرگز هيچ قومی

We thought that no human being

وَاجْنٌ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

از جنّ و انس بر خدای متعال دروغ و افترا نخواهد گفت. (۵)

nor any sprite would ever tell a lie about God!' (5)



وَ أَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ

و همانا مردانی از نوع بشر به مردانی از گروه جنّ پناه می بردند (و خود را در بیابانها  
 "Once human men used to take refuge with men from the sprites

بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا

به جنیان می سپردند) و جنیان بر غرور و جهل آنها سخت می افزودند. (۶)  
 and it made them even more pretentious. (6)



وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ

و آنها هم مانند شما (آدمیان گروهی کافر شده و) گمان کردند  
**They thought, just as you have supposed,**

أَنْ لَّنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا ۷

که خدا احدی را (به قیامت) زنده نخواهد کرد. (۷)  
**that God will never send anyone up again. (7)**





وَأَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا

و جنیان گفتند ما به آسمان بر شدیم (تا اسرار وحی را استراق کنیم) لیکن

"We reached out for Heaven and found it staffed

مِلَّتْ حَرَسًا شَدِيدًا وَ شُهَبًا

یافتیم که آنجا فرشته نگهبان با قدرت و تیر شهاب آتشبار فراوان است. (۸)

with stern guards and shooting stars. (8)



وَأَنَا كُنَّا نَقْعِدُ مِنْهَا

و ما (پیش از نزول قرآن) در کمین شنیدن

We used to squad in some of its

مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ

سخنان آسمانی و اسرار وحی می نشستیم

seats to listen,



# فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ

اما اينک هر که (از اسرار وحی الهی) سخنی بخواهد شنيد  
**though anyone who eavesdrops**

# يَجِدُ لَهُ وَ شِهَابًا رَصَدًا ٩

تير شهاب در کمينگاه اوست. (٩)

**now finds a shooting star lurking there for him. (9)**



وَ أَنَا لَأَنذَرِي أَشْرَارٍ يَدِبْمَن

وما هنوز نمی دانیم که آیا عاقبت برای مردم زمین (با این مذاهب و اعمال مختلف که دارند) شر

We do not know whether evil is intended for anyone

فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا

و فساد خواسته اند یا که خدای آنها بر هدایت آنان رشد و خیر و صلاح آنها را منظور دارد؟ (۱۰)

on earth, or their Lord wants integrity for them. (10)



وَ أَنَا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ

و همانا برخی از ما صالح و نیکوکار هستیم و برخی برخلاف آن، عقیده

Some of us are honorable while others of us are quite the opposite of

كُنَّا طَرَائِقَ قَدَدًا



و اعمال ما هم بسیار متفرق و مختلف است. (۱۱)

that: we [travel] along such diverse routes. (11)



وَأَنَا ظَنَنَّا أَن لَّن نَّعْجِزَ اللَّهَ

و ما چنین دانسته ایم که هرگز در زمین بر قدرت خدا  
 "We supposed we would never escape God

فِي الْأَرْضِ وَلَن نَّعْجِزَهُ وَ هَرَبًا

غلبه و از محیط اقتدارش فرار نتوانیم کرد. (۱۲)

on earth, and we shall never escape Him by fleeing. (12)



وَإِنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ

و ما چون به سخنان هدایت (یعنی آیات قرآن) گوش فرا دادیم  
 When we heard about guidance,

عَامِنًا بِهِ

(برخی) ایمان آوردیم  
 we trusted it.



فَمَنْ يُوْتِرْ بِرَبِّهِ

و هر که به خدای خود ایمان آورد

Anyone who trusts in his Lord needs

فَلَا يَخَافُ بِخُسَاً وَلَا رَهَقًا

دیگر از نقصان خیر و ثواب و از احاطه رنج و عذاب بر خود هیچ نترسد. (۱۳)

not fear about being undersold nor caught short. (13)





وَإِنَّا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ

و از ما جنیان هم بعضی مسلمان و بی آزار

Some of us are Muslims

ز وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ

و برخی کافر و ستمکارند،

while others of us are [still] holding back.



# فَمَنْ أَسْلَمَ

و آنان که اسلام آوردند

Those who have committed themselves

فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا

۱۴

راستی به راه رشد و صواب شتافتند. (۱۴)

to (live in) peace are dedicated to integrity; (14)



# وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ

و اما ستمکاران ما  
while those who hold back

۱۵

# فَكَانُوا لِيَجْهَنَّمَ حَطَبًا

هیزم بر آتش جهنم گردیدند. (۱۵)  
will become kindling for Hell." (15)



# وَأَلَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ

و اگر بر طریقه (اسلام و ایمان) پایدار بودند

If they would only keep straight along the highway,

# لَأَسْقِيَنَّهُمْ مَاءً غَدَقًا

۱۶

آب (علم و رحمت و رزق) فراوان نصیبشان البته می‌گردانیدیم. (۱۶)

We will let them drink plenty of water (16)



لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ <sup>ج</sup> وَ مَنْ يَعْرِضْ عَنْ

تا به آن نعمت آنها را امتحان و آزمایش کنیم، و هر که

so We may test them by means of it; while it will lead anyone

ذِكْرِ رَبِّهِ <sup>س</sup> يَسْلُكُهُ عَذَابًا صَعَدًا <sup>١٧</sup>

از یاد خدای خود اعراض کند خدا او را به عذابی بسیار سخت درآورد. (۱۷)

away to mounting torment who avoids mentioning his Lord. (17)



وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ

و مساجد مخصوص (پرستش ذات یکتای) خداست

Mosques belong to God,

فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا

۱۸

پس نباید با خدا احدی غیر او را پرستش کنید. (۱۸)

so do not appeal to anyone besides God (in them). (18)



وَ أَنَّهُ و لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ

و چون بنده خاص خدا (محمد «ص») قیام کرد و خدا را می خواند طایفه جنیان  
 Yet whenever God's servant stood up to appeal to Him,

كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا ۱۹

(برای استماع قرآن) چنان گرد او ازدحام کردند که نزدیک بود بر سر هم فروریزند. (۱۹)  
 they almost crowded in upon him! (19)



قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي

بگو: من تنها خدای خود را می پرستم

SAY: "I appeal only to my Lord

وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا

۲۰

و هرگز احدی را با او شریک نمی گردانم. (۲۰)

and never associate anyone else [in my worship of] Him." (20)





قُلْ إِنِّي لَأَمْلِكُ لَكُمْ

و باز بگو: من مالک

SAY: "I do not control

ضَرًّا وَلَا رَشَدًا ۲۱

و قادر بر خیر و شرّ شما نیستم. (۲۱)

any harm for you nor any integrity." (21)



قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ

باز بگو که (اگر خدا بر من قهر و غضب کند) ابدأ کسی مرا از (قهر) خدا در

SAY: "No one grants protection from God

وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا

پناه نتواند گرفت و به غیر او هیچ گریز گاهی هرگز نخواهم یافت. (۲۲)

nor will I ever find any sanctuary besides that in Him (22)



إِلَّا بِأَمْرٍ مِّنَ اللَّهِ وَرِسَالَةٍ ج

تنها مأمور و پناه من ابلاغ احکام خدا و رسانیدن پیغام الهی است،  
 except through a decree from God, and in His message.

وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ و

و آنان که نافرمانی خدا و رسول او کنند  
 Anyone who defies God and His messenger



فَإِنَّ لَهُ وَ نَارَ جَهَنَّمَ

البته کیفرشان آتش دوزخ است  
will have Hell fire

۲۳ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا

که در آن تا ابد مخلد باشند. (۲۳)  
to live in for ever (23)



حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْئَلُونَ

(ای رسول، کافران رارهاکن) تا روزی که عذاب موعود خود را به چشم ببینند، آن زمان خواهند  
 until once they see what they have been promised, they will realize

مَنْ أَوْعَفُّ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا

دانست که (تو و آنها) کدامتان یارانش ضعیف و ناتوان تر و سپاهش کمتر است؟ (۲۴)  
 who has the weakest supporter and are fewest in numbers." (24)

قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقْرِبُ مَا تُوْعَدُونَ

بگو: من خود ندانم که عذاب موعود شما وقتش نزدیک است  
 SAY: "If I only knew whether what you are promised is near,

أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا ﴿٢٥﴾

یا خدا تا آن روز مدتی (بسیار) قرار داده است. (۲۵)  
 or whether my Lord has set a grace period for it; (25)



# عَالِمُ الْغَيْبِ

او دانای غیب عالم است  
Knowing the Unseen,



# فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا

و هیچ کس را بر غیب خود آگاه نمی‌کند. (۲۶)

He never discloses his Unseen [secrets] to anyone (26)



إِلَّا مَنْ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ

مگر آن کس را که به پیامبری برگزیده است  
**except for some messenger whom He approves of.**

فَإِنَّهُ وَيَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ

که فرشتگان را از پیش رو  
**He leads him off with an escort both before him**







# وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا

و پشت سر او می فرستد (تا اسرار وحی را شیاطین به سرقت گوش نربایند). (۲۷)  
and behind him (27)

# لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولًا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ

تا بداند (و معلوم سازد) که آن رسولان پیغامهای پروردگار خود را به خلق کاملاً رسانیده‌اند،  
So He may know that they have delivered their Lord's messages. 

# وَ أَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ

و البته خدا به آنچه نزد رسولان است احاطه کامل دارد  
**He embraces anything that lies in their presence,**

وَ أَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا <sup>ع</sup>

۲۸

و به شماره هر چیز در عالم به خوبی آگاه است. (۲۸)  
**and calculates everything by means of numbers." (28)**



﴿ سُورَةُ الْمُزَّمِّلِ ﴾

سوره ۷۳ - ۲۰ آیه - مکی

Surah 73: (Al-Muzzammil)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!



# يَا أَيُّهَا الْمَرْمِلُ ١

الا ای رسولی که در جامهٔ (فکرت و خاموشی) خفته‌ای. (۱)  
**You who are bundled up, (1)**

# قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ٢

(هان) شب را (به نماز و طاعت خدا) برخیز مگر کمی. (۲)  
**stay up all night, except for a little while: (2)**



# نِصْفَهُ وَ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا



که نصف یا چیزی کمتر از نصف باشد (به استراحت پرداز). (۳)

half of it or a trifle less than that, (3) or [even] add

# أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْءَانَ تَرْتِيلًا



یا چیزی بر نصف بیفزای و به تلاوت آیات قرآن با توجه کامل مشغول باش. (۴)

some to it, and chant the Qur'an distinctly as it should be chanted. (4)



إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا

ما کلام بسیار سنگین (و گرانمایه قرآن) را بر تو القا می کنیم. (۵)

**We will cast a weighty statement on you! (5)**

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأًا

البتة نماز شب (و دعا و ناله سحر) بهترین شاهد اخلاص و صفای قلب

**The onset of night is more serious for impressions,**



# وَاقْوَمُ قَيْلًا ٦

و دعوی صدق ایمان است. (۶)

as well as more effective for speaking in. (6)

# إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا ٧

تو را روز روشن (در طلب روزی) وقت کافی و فرصت وسیع است. (۷)

You have lengthy employment during daylight. (7)



# وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ

و (دائم در شب و روز) نام خدا را یاد کن

**Mention your Lord's name**

# وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا



و به کلی از غیر او علاقه ببر و به او پرداز. (۸)

**and devote yourself to Him utterly! (8)**





# رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ

همان خدای مشرق و مغرب عالم  
**Lord of the East and the West,**

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا ۙ

که جز او هیچ خدایی نیست او را بر خود وکیل و نگهبان اختیار کن. (۹)  
**there is no deity except Him, so accept him as your Defender. (9)**

وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ

و بر طعن و یاوه‌گویی کافران و مکذبان صبور و شکیباباش و به طرزی نیکو  
**Be patient about anything they may say,**

وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا ۱۰

(که مقتضای مدارا و حلم و بزرگواری است) از آنان دوری‌گزین. (۱۰)  
**and steer clear of them in a polite manner. (10)**



# وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِيَ النَّعْمَةِ

و کار آن کافران مغرور نعمت و مال (حرام) را به من واگذار و اندک زمانی  
**Let Me deal with rejectors who are enjoying their leisure;**

و مَهْلِهِمْ قَلِيلًا 

به آنها مهلت ده (تا وقت انتقام به زودی فرا رسد). (۱۱)  
**put up with them for a while. (11)**





إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا

که البته نزد ما غل و زنجیر عذاب و آتش دوزخ مهیاست. (۱۲)

Before us there lie fetters and Hades, (12)



وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا

و طعامی که (از فرط غصه و اندوه) گلوگیر آنها می شود و عذاب دردناک بر آنهاست. (۱۳)

plus food which will make one choke, and painful torment. (13)



يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ

آن روزی که زمین و کوه‌ها به لرزه درآید

Some day the earth and mountains will rumble,

و كَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيْبًا مَّهِيلًا

و کوه‌ها تلّ ریگی شود و چون موج روان گردد. (۱۴)

and the mountains spill over as if they had been turned into sand. (14)

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا

ما به شما (امت آخر زمان) رسولی فرستادیم  
**We have sent a messenger to you (all)**

شَاهِدًا عَلَيْكُمْ

که شاهد اعمال (و حجت کامل) شماست  
**to act as a witness concerning you,**



# كَمَا أَرْسَلْنَا

چنان که  
just as

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا

۱۵

بر فرعون هم رسول فرستادیم. (۱۵)

We sent Pharaoh a messenger. (15)



# فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ

تا فرعون نافرمانی آن رسول کرد  
Yet Pharaoh defied the messenger,

فَأَخَذْنَا هُوَ أَخْذًا وَبِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا

۱۶

ما هم او را به قهر و انتقام سخت بگرفتیم. (۱۶)  
so We seized him mercilessly! (16)





# فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ يَوْمًا

پس اگر کافر شوید چگونه (از عذاب حق) نجات یابید  
**So how will you do your duty if you already disbelieve**

# يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا ۱۷

در روزی که کودک از هول و سختی آن پیر شود؟ (۱۷)  
**in the day which will turn children into greybeards? (17)**



ج  
الْأَسْمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ

و آسمان از وحشت آن شکافته شود  
The sky will crack open from it;

۱۸  
كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا

و وعده الهی به وقوع انجامد. (۱۸)  
His promise will be fulfilled. (18)



# إِن هَذِهِ تَذْكِرَةٌ

این آیات (قرآن) برای تذکر و یادآوری فرستاده شد

This is a Reminder,

فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ۚ

تا هر که بخواهد راهی به سوی خدای خود پیش گیرد. (۱۹)

so let anyone who so wishes, adopt a way unto his Lord. (19)



إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ

خدا به حال تو آگاه است

Your Lord knows

أَنْتَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثَيِ اللَّيْلِ

که تو و جمعی هم از آنان که با تواند (اغلب) نزدیک دو ثلث

how you stay up close to two thirds of the night [in prayer],



وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ

یا نصف یا (لااقل) ثلث شب را  
half of it, and even a third of it;

وَطَائِفَةٍ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ

همیشه به طاعت و نماز می پردازید،  
and [so do] a group of those who are with you.



وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ج

و خدا (گردش) شب و روز را مقدر می کند،

God measures out both night and daylight; He knows that

عَلِيمٌ أَنْ لَنْ تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ ز

خدا می داند که شما هرگز تمام ساعات شب را (به عبادت) ضبط نخواهید کرد  
you (all) will never count them up, so He has relented towards you. ۱۰

فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ

لذا از شما (اوقات خواب و کارهای دیگر را) درگذشت تا هر چه (از شب رابی مشقت و) آسان

**Read whatever seems feasible from the Qur'an.**

عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَى

است به تلاوت قرآن پردازید. خدا بر احوال شما آگاه است که برخی مریض و ناتوانند

**He knows that some of you may be ill**



وَأَخْرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ

و برخی به سفر از کرم خدا روزی می طلبند  
while others are out travelling around the earth

يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ

و برخی در راه خدا به جنگ و جهاد مشغولند،  
seeking God's bounty,





وَأَخْرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

پس در هر حال آنچه میسر و آسان باشد  
and still others are fighting for God's sake.

فَاقْرَأُوا مَا تيسر مِنْهُ

به قرائت قرآن پردازید  
So read any of it that seems feasible,



# وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ

و نماز به پا دارید و زکات مالتان (به فقیران) بدهید و به خدا  
**and keep up prayer and pay the welfare tax,**

# وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا

قرض نیکو دهید (یعنی برای خدا به محتاجان احسان کنید و قرض الحسنه دهید)،  
**and advance God a handsome loan.**



وَمَا تَقْدِمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ

و هر عمل نیک برای آخرت خود پیش فرستید  
 Anything good you send on ahead for yourselves,

تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا

(پاداش) آن را البته نزد خدا بیابید  
 you will find [later on] with God; it is better



۲۴۸  
ز

وَأَعْظَمَ أَجْرًا ۚ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ

و آن اجر و ثواب آخرت (که بهشت ابد است، از متاع دنیا) بسی بهتر و بزرگتر است،  
and more important as earnings. Seek forgiveness from God;

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۚ

۲۰

و دائم از خدا آمرزش طلبید که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۲۰)  
God will be Forgiving, Merciful. (20)



﴿ سُورَةُ الْمُدَّثِرِ ﴾

سوره ۷۴ - ۵۶ آیه - مکی

Surah 74: (Al-Muddaththir)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!



# يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ١

الا ای رسولی که خود را به لباس (حیرت و فکرت) در پیچیده‌ای. (۱)  
**You who are wrapped in a cloak, (1)**

# قُمْ فَأَنْذِرْ ٢

برخیز و به اندرز و پند، خلق را خداترس گردان. (۲)  
**stand up and warn! (2)**



وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ ۳

و خدایت را به بزرگی و کبریایی یاد کن. (۳)

Magnify your Lord, (3)

وَتِيَابِكَ فَطَهِّرْ ۴

و لباس (جان و تن) خود را از هر عیب و آلایش پاک و پاکیزه دار. (۴)

purify your clothing (4)



# وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ ٥

و از ناپاکی (بت و بت پرستان) به کلی دوری گزین. (۵)  
and steer clear of filth. (5)

# وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ ٦

و بر هر که احسان کنی ابداً منت مگذار و عوض افزون نخواه. (۶)  
Do not give so much away that you must ask for more; (6)





وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ ۷

و برای خدایت صبر و شکیبایی پیش‌گیر. (۷)  
act patiently towards your Lord! (7)

فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ ۸

تا آن‌گاه که (هنگامهٔ قیامت برپا شود و) در صور (اسرافیل) بدمند. (۸)  
When the bugle is sounded on that day, (8)



فَذٰلِكَ يَوْمًا۟ يَّوْمًا۟ عَسِيْرًا۟ ۙ

آن روز بسیار روز سختی است. (۹)  
it will be such a harsh day, (9)

عَلٰى الْكٰفِرِيْنَ غَيْرٍ يَّسِيْرًا۟ ۙ

کافران را هیچ گونه در آن راحتی و آسایش نیست. (۱۰)  
anything but easy on disbelievers! (10)



# ذَرْنِي

به من واگذار

Leave Me Alone

وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا ۱۱

کار انتقام آن کس را که من او را تنها آفریدم. (۱۱)

with anyone I have created to be lonely, (11)



۱۲

وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا

و به او مال و ثروت فراوان بذل کردم. (۱۲)  
to whom I have granted ample wealth (12)

۱۳

وَبَيْنَ شُهُودًا

و پسران بسیار حاضر به خدمت نصیب گردانیدم. (۱۳)  
and some standing before him, (13)



وَمَهَّدْتُ لَهُ وَتَمَهَّيْتُ لَهُ  
 ۱۴

و اقتدار و مکت و عزت دادم. (۱۴)

and for whom I have smoothed things over. (14)

ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ  
 ۱۵  
 كَلَّا

و (با کفران این نعمتها) باز هم از من طمع افزونی آن دارد. (۱۵) هرگز

Still he aspires for Me to add even more [to it]! (15) Of course not; 

۱۶

إِنَّهُ وَكَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا

(بر نعمتش نیفزاییم) که او با آیات ما دشمنی و عناد ورزید. (۱۶)  
 he has acted stubbornly towards Our signs. (16)

سَأَرْهِقُهُ وَصَعُودًا

به زودی او را به سختی و دشواری (آتش دوزخ) درافکنم. (۱۷)  
 I shall weigh him down with mounting trouble. (17)



إِنَّهُ وَفَكَرَ وَقَدَّرَ ۱۸

اوست که فکر و اندیشه بدی کرد (که رسول خدا را به سحر و ساحری نسبت داد). (۱۸)

Let him think things over and measure them out. (18)

فَقْتُلْ كَيْفَ قَدَّرَ ۱۹

و خدایش بکشد که چقدر اندیشه غلطی کرد. (۱۹)

Yet he still will be damned just as he has measured; (19)



# ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ

۲۰

باز هم خدایش بکشد که چه فکر خطایی نمود. (۲۰)

once again, he will be killed just as he has measured things out! (20)

# ثُمَّ نَظَرَ

۲۱

پس باز اندیشه کرد. (۲۱)

Then he looked; (21)





# ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ۲۲

و (به اظهار تنفر از اسلام) رو ترش کرد و چهره در هم کشید. (۲۲)  
**next he frowned and scowled; (22)**

# ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ ۲۳

آن‌گاه روی گردانید و تکبر و نخوت آغاز کرد. (۲۳)  
**then he stepped back, glanced around haughtily (23)**



۲۴

فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُورَثُ

و گفت: این (قرآن) به جز سحر و بیان سحرانگیزی که (از ساحران گذشته)  
and said: "This is just some magic which has been handed down; (24)

۲۵

إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ

نقل می شود هیچ نیست. (۲۴) این آیات گفتار بشری بیش نیست. (۲۵)  
this is merely a statement made by some human being!" (25)



# سَأُصْلِيهِ سَقَرَ

۲۶

من این (منکر و مکذّب قرآن) را به آتش دوزخ درافکنم. (۲۶)

**I'll roast him by scorching! (26)**

# وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرٌ

۲۷

و تو چگونه توانی یافت که سختی عذاب دوزخ تا چه حد است؟ (۲۷)

**What will make you realize what scorching is? (27)**



# لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ ۲۸

شراهه آن دوزخ از دوزخیان هیچ باقی نگذارد و همه را بسوزاند و محو گرداند. (۲۸)  
**It spares nothing nor leaves anything over (28)**

# لَوَاحِشَةً لِلْبَشَرِ ۲۹

آن آتش بر آدمیان رو نماید (و خرمن گنهکاران را به باد دهد). (۲۹)  
**as it shrivels human [flesh]. (29)**



عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ ﴿٣٠﴾ وَ مَا جَعَلْنَا

بر آن آتش نوزده تن (فرشته عذاب) موکلند. (۳۰) و ما خازنان دوزخ را

Over it there are Nineteen; (30) We have placed none

أَصْحَابِ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً ز

غير فرشتگان (عذاب) قرار ندادیم

but angels as guardians of the Fire.



وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ

و عدد آنها را

We have placed such a number merely

إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا

جز برای فتنه و محنت کفار (نوزده) نگردانیدیم

as a test for those who disbelieve,



# لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ

تا آنکه اهل کتاب هم یقین کنند (که ذکر این عدد مطابق تورات و انجیل است با آنکه صاحب قرآن به  
**to convince the ones who have been given the Book,**

# وَيَزِدَادَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا

کتاب آسمانی عالم نبوده و البته کلامش به وحی خداست و ایمان آرند) و آن بر یقین مؤمنان هم بیفزاید  
**while those who believe may be increased in [their] faith;**



وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ

و دیگر در دل اهل کتاب و مؤمنان به اسلام  
and so the ones who have been given the Book

وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ

هیچ شک و ربی نماند و تا آنان که در دلهاشان مرض (شک و جهالت) است  
as well as believers may not doubt,





# فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ

و کافران نیز (به طعنه) گویند که خدا از این مثل

while the ones in whose hearts there lurks malice, as well as

## مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا

(که عدد فرشتگان عذاب را نوزده شمرده است نه بیش و کم) چه منظور داشت؟

disbelievers will say: "What does God want to compare this to?"



كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللّٰهُ مَنْ يَشَاءُ

بلی این چنین (قرار داد تا) هر که را خواهد به ضلالت بگذارد

Thus God lets anyone He wishes go astray

وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ

و هر که را خواهد هدایت نماید

while He guides whomever He wishes.



وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ ج

و هیچ کس از (عده بی حد) لشکرهای پروردگارت غیر او آگاه نیست  
**No one knows your Lord's armies except He Himself.**

وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشْرِ ع

و این (آیات ذکر دوزخ) جز برای پند و موعظه بشر نخواهد بود. (۳۱)  
**It is only a Reminder for humanity. (31)**



كَلَّا وَالْقَمَرَ ﴿٣٢﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ ﴿٣٣﴾

چنین (که کافران گویند) نیست، قسم به ماه تابان. (۳۲) و قسم به شب تار

Indeed not; by the moon, (32) and night as it retreats (33)

وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ ﴿٣٤﴾

چون باز گردد. (۳۳) و قسم به صبح چون جهان را روشن سازد. (۳۴)

and morning when it shines forth, (34)



# إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكُبْرِ ۝۳۵

که این (آیات قرآن) یکی از بزرگترین آیات خداست. (۳۵)  
**it is one of the greatest [signs], (35)**

# نَذِيرًا لِلْبَشَرِ ۝۳۶

در آن پند و اندرز آدمیان است. (۳۶)  
**[given] as a warning for humanity, (36)**



# لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ

برای هر یک از شما آدمیان که بخواهد  
for anyone of you who wishes

# أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ

۳۷

(در مقام ایمان و طاعت و سعادت) پیش افتد یا باز ماند. (۳۷)  
to advance or lag behind! (37)



۳۸

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ

هر نفسی در گرو عملی است که انجام داده است. (۳۸)

Each soul is [held] as a pledge for anything he has earned, (38)

۳۹

إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ

مگر اهل یمین. (۳۹)

except for the companions on the Right (39)



# فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ

۴۰

آنان در باغهای بهشت (متنعمند و) سؤال می کنند. (۴۰)  
**who will be in gardens enquiring (40)**

# عَنِ الْمُجْرِمِينَ

۴۱

از احوال دوزخیان گنهگار. (۴۱)  
**about the criminals: (41)**





مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ ۚ (۴۲)

که شما را چه عمل به عذاب دوزخ درافکند؟ (۴۲)  
 "Whatever induced you to be scorched?" (42)

قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ۚ (۴۳)

آنان جواب دهند که ما از نمازگزاران نبودیم. (۴۳)  
 They will say: "We were not among the prayerful (43)



۴۴

وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمِسْكِينَ

و مسکینی را طعام نمی دادیم. (۴۴)

nor did we feed the needy. (44)

۴۵

وَ كُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ

و ما با اهل باطل به بطالت می پرداختیم. (۴۵)

We speculated along with the speculators (45)



۴۶

وَكُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ

و ما روز جزا را تکذیب می کردیم. (۴۶)

and kept denying [about appearing on] the Day for Repayment (46)

۴۷

حَتَّىٰ آتَانَا الْيَقِينُ

تا آنکه یقین (که ساعت مرگ است) بر ما فرا رسید. (۴۷)

until [its] certainty came home to us. (47)



۴۸

فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ

پس شفاعت شفیعان در حق آنان هیچ سودی نبخشد. (۴۸)  
 No intercession by any mediators will benefit them. (48)

۴۹

فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ

اینک چرا از یاد آن روز سخت خود (و از ذکر و اندرز قرآن) اعراض می‌کنند؟ (۴۹)  
 What is wrong with them that they avoid remembering [God] (49)

# كَانَهُمْ حَمْرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ

۵۰

گویی گورخران گریزانی هستند. (۵۰)  
as if they were startled donkeys (50)

# فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ

۵۱

که از شیر درنده می‌گریزند. (۵۱)  
who have just fled from a lioness? (51)



بَلْ يَرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ

بلکه هر یک از آنها می خواهند که برایشان

Yet every last man among them

أَنْ يُؤْتَىٰ صُحُفًا مُنشَرَةً ۝۵۲

هم (مانند پیمبران) صحیفه وحی آسمانی باز آید (تا ایمان آرند). (۵۲)

wants to be handed scriptures all spread out! (52)



# كَلَّا زَبَلٌ لَّا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ

هرگز (چنین نیست که پنداشتند) بلکه از (عذاب) آخرت نمی ترسند. (۵۳)  
**Of course, it is rather because they do not fear the Hereafter. (53)**

# كَلَّا إِنَّهُ تَذَكُّرٌ


چنین نیست (که آنها پنداشتند) قرآن محققاً همه پند و یادآوری است. (۵۴)  
**Indeed, it is a Reminder; (54)**



# فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ

تا هر که خواهد متذکر آن شود. (۵۵) و نخواهند متذکر شوند جز آنکه خدا  
so let anyone who wishes to, remember it. (55)

# وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ <sup>سُج</sup>

بخواهد (یعنی بدون مشیت و لطف الهی کسی بهشتی و سعادت‌مند نخواهد شد.  
Yet they will not remember except however God may wish. 



# هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى

از او رواست تقوا و ترس و بیم و شوق و امیدواری که) او اهل تقوا

**He is Entitled to be heeded,**

# وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ



و اهل آمرزش و مغفرت است. (۵۶)

**as well as Entitled to grant forgiveness! (56)**



سوره ۷۵ - ۴۰ آیه - مکی ﴿ سُورَةُ الْقِيَامَةِ ﴾

Surah 75: (Al-Qiyamah)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!



# لَا أَقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ ۱

چنین نیست (که کافران پنداشتند) قسم به روز (بزرگ) قیامت. (۱) و قسم به نفس پر حسرت و

**I do swear by Resurrection Day, (1)**

# وَلَا أَقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ ۲

ملامت (یعنی نفس انسان که در قیامت خود را بر تقصیر و گناه بسیار ملامت کند و حسرت خورد). (۲)

**as I swear by the rebuking soul, (2)**



# أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ

آیا آدمی پندارد که ما  
does man reckon

النَّ نَجْمَعُ عِظَامَهُ  وَ

دیگر ابداً استخوانهای (پوسیده) او را باز جمع نمی‌کنیم؟ (۳)  
We shall never gather his bones together [again]? (3)



# بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ

بلی (استخوانهای او را جمع می‌کنیم) در حالی که ما قادریم

**Of course We are Capable**

# أَنَّ نَسْوِيَّ بِنَانَهُ و ٤

که سرانگشتان او را هم منظم درست گردانیم. (۴)

**of reshaping even his fingertips. (4)**





بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ

بلکه انسان می خواهد آنچه (از عمرش) در پیش است همه را به فجور و هوای نفس

Yet man wants to carouse right out in the open. (5)



يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

گذراند. (۵) (که دائم با شک و انکار) می پرسد کی روز قیامت (و حساب) خواهد بود؟ (۶)

He asks: "When will Resurrection Day be?" (6)



# فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ ۷

(بگو) روزی که چشمهای خلقان (از وحشت و هول) خیره بماند. (۷)

When one's sight is dazzled, (7)

# وَخَسَفَ الْقَمَرُ ۸

و ماه تابان تاریک شود. (۸)

and the moon is eclipsed, (8)



وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ﴿٩﴾

و میان خورشید و ماه جمع گردد (و هر دو بی نور شوند). (۹)  
as the sun and moon are brought together, (9)

يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرُجُ ﴿١٠﴾

در آن روز انسان گوید: (ای وای از سختی عذاب) کجا مفرّ و پناهی خواهد بود؟ (۱۰)  
on that day (every) man will say: "Where is there any escape?" (10)



# كَلَّا لَا وَزَرَ ۱۱

هرگز مفرّ و پناهگاهی نیست. (۱۱)

Of course there will be no sanctuary; (11)

# إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ ۱۲

آن روز جز درگاه خدا آرامگاهی هیچ نیست. (۱۲)

recourse will be only with your Lord on that day. (12)



# يُنَبِّئُوا الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ

آن روز آدمی به (نتیجه) هر نیک و بدی

Man will be notified that day about anything

## بِمَا قَدَّمَ وَآخَرَ ۱۳

که در مقدّم و مؤخر عمر کرده آگاه خواهد شد. (۱۳)

he has sent on ahead or else held back. (13)



۱۴

بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ

بلکه انسان خود بر (نیک و بد) خویش به خوبی بیناست. (۱۴)

Indeed man holds evidence even against himself (14)

وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ

هر چند (پرده‌های) عذر (بر چشم بصیرت) خود بیفکند. (۱۵)

although he may proffer his excuses. (15)




 ۱۶

لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ

(ای رسول در حال وحی) با شتاب و عجله زبان به قرائت قرآن مگشای. (۱۶)

Do not try to hurry it up with your tongue; (16)


 ۱۷

إِنَّا عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْءَانَهُ

که ما خود قرآن را مجموع و محفوظ داشته و بر تو فرا خوانیم. (۱۷)

it is up to Us to collect it, as well as [to know how] to recite it. (17)

فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْءَانَهُ ۖ (۱۸)

و آن گاه که بر خواندیم تو پیرو قرآن آن باش. (۱۸)

So whenever We do read it, follow in its reading; (18)

ثُمَّ إِنَّا عَلَيْنَا بِيَانِهِ ۖ (۱۹)

پس از آن بر ماست که (حقایق) آن را بر تو بیان کنیم. (۱۹)

it is then We Who must explain it! (19)



# كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ

۲۰

هرگز، بلکه شما (کافران لجوج) تمام دنیای نقد عاجل را دوست دارید. (۲۰)

**Indeed how you (all) love the fleeting present (20)**

# وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ

۲۱

و به کلی کار آخرت را واگذارید. (۲۱)

**while you neglect the Hereafter! (21)**



# وَجْوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ

۲۲

آن روز رخسار طایفه‌ای (از شادی) برافروخته و نورانی است. (۲۲)  
**Some faces will be radiant on that day, (22)**

# إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ

۲۳

و به چشم قلب جمال حق را مشاهده می‌کنند. (۲۳)  
**looking toward their Lord; (23)**



وَأُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بِاسِرَةٍ ۖ

۲۴

و رخسار گروهی دیگر عبوس و غمگین است. (۲۴)  
while other faces will be scowling on that day, (24)

تَظُنُّ أَنَّ يُفَعَّلَ بِهَا فَاكِرَةٌ ۖ

۲۵

که می دانند حادثه ناگواری در پیش است که پشت آنها را می شکنند. (۲۵)  
thinking that some impoverishing blow will be dealt them. (25)



# كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ ۚ

۲۶

چنین نیست (که منکران قیامت پنداشتند. باش تا) آن گاه که جانشان به گلورسد. (۲۶)

Indeed when it reaches as high as one's collarbone (26)

سکته لطیف

# وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ ۚ

۲۷

و (اهلش) گویند: کیست که چاره درد این بیمار تواند کرد؟ (۲۷)

and someone says: "Who is such a wizard?", (27)



# وَوَظَنَ أَنَّهُ الْفِرَاقُ

۲۸

و بیمار خود یقین به مفارقت از دنیا کند (که ملک موت را به چشم ببیند). (۲۸)  
**he will suppose that it means leave-taking (28) while**

# وَالْتَفَّتِ الشِّقَاقُ بِالشِّقَاقِ

۲۹

و ساقهای پا (از شدت غم عقبی و حسرت دنیا) به هم در پیچد. (۲۹)  
**one shin will twist around the other shin [to keep it from moving]; (29)**

# إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسَاقِ

۳۰

در آن روز خلق را به سوی خدا خواهند کشید. (۳۰) پس (آن روز وای بر آن  
towards your Lord will the Drive be on that day! (30)

# فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّىٰ

۳۱

که چون ابوجهل) حق را تصدیق نکرد و نماز (و طاعتش) بجا نیاورد. (۳۱)  
He was not trusting and did not pray, (31)



۳۲

وَلٰكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلٰى

بلکه (خدا را) تکذیب کرد و (از حکمش) رو بگردانید. (۳۲)  
**but said: "No!" and turned away. (32)**

۳۳

ثُمَّ ذَهَبَ اِلٰى اَهْلِهٖ يَتَمَطٰى

و آن‌گاه با تکبر و نخوت به سوی اهل خویش روی آورد. (۳۳)  
**Then he stalked off haughtily to his family, (33)**



# أُولَىٰ لَكَ فَأَولىٰ

۳۴

(به وی خطاب شود) وای (بر زندگی) و (صد) وای بر (مرگ) تو. (۳۴)  
**[though] closer to you and even closer! (34)**

# ثُمَّ أُولَىٰ لَكَ فَأَولىٰ

۳۵

پس (از مرگ هم) وای (بر برزخ) و (صد) وای بر (روز محشر) تو. (۳۵)  
**Then closer to you [lies your doom] and still closer! (35)**



# أَيَّحْسِبُ الْإِنْسَانُ

آیا آدمی می‌پندارد که او را مهمل (از تکلیف

Does man reckon

# أَنْ يَتْرَكَ سُدًى

۳۶

و ثواب و عقاب) گذارند (و غرضی در خلقتش منظور ندارند)؟ (۳۶)

he'll be left forlorn? (36)





الْمَ يَكُ نُطْفَةً مِنْ مَنِيِّ يَمَنِ

آیا آدمی قطرهٔ آب نطفه نبود که (در رحم) ریزند؟ (۳۷) و پس از نطفه خون بسته

Was he not once a drop of ejected semen? (37)



ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى

شد و آن گاه (خدایش به این صورت زیبای حیرت انگیز) آفرید و آراسته ساخت. (۳۸)

Then he became a clot, so [God] created and fashioned [him] (38)

# فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ

پس آن گاه از او دو صنف نر و ماده  
and made him into two sexes, male

وَالْأُنثَى

۳۹

پدید آورد. (۳۹)  
and female. (39)





# أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ

آیا چنین خدای (با قدرت و حکمت)

Is such a Being not Able

# عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ



باز نتواند مردگان را زنده گرداند؟ (۴۰)

to revive the dead? (40)



# ﴿ سُورَةُ الْإِنْسَانِ ﴾

سوره ۷۶ - ۳۱ آیه - مدنی

Surah 76: (Al-Insaan)

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!



هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ

آیا بر انسان روزگارانی نگذشت

Has a period in [this] age not come over (every) man

لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا ۱

که چیزی هیچ لایق ذکر نبود؟ (۱)

when he was nothing worth mentioning? (1)



إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ

ما انسان را از آب نطفهٔ مختلط (بی حس و شعور) خلق کردیم و او را می‌آزماییم  
**We have created man from a drop of semen [forming] cells**

نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ۲

و بدین سبب دارای قوای چشم و گوش (و مشاعر و عقل و هوش) گردانیدیم. (۲)  
**so We might test him; thus We made him alert, observant. (2)**

# إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ

ما به حقیقت راه (حق و باطل) را به او نمودیم حال خواهد (هدایت پذیرد

**We have guided him along the [right] path,**

# إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا



(و شکر (این نعمت) گوید و خواهد (آن نعمت را) کفران کند. (۳)

**whether he is thankful or thankless. (3)**



إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ

ما برای (کیفر) کافران

We have prepared chains,



سَلَاسِلًا وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا

غل و زنجیرها و آتش سوزان مهیّا ساخته ایم. (۴)

shackles and a Blaze for disbelievers! (4)



إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ

نکوکاران عالم در بهشت از جام شرابی نوشند

The virtuous will drink from a cup

كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ٥

که طبعش (در لطف و رنگ و بوی) کافور است. (۵)

which will be mixed with camphor, (5)



# عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ

از سرچشمه گوارایی آن بندگان خاص خدا می نوشند  
a freely gushing spring

يَفْجُرُونَهَا تَفْجِيرًا

که به اختیارشان هر کجا خواهند جاریش سازند. (۶)  
where God's servants will drink. (6)





يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا

به عهد و نذر خود وفا می کنند و از روزی که

They [always] keep their word, and fear a day

كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ٧

شر و سختیش همه اهل محشر را فرا گیرد می ترسند. (۷)

whose evil tends to spread around. (7)



وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ

و هم بر دوستی او (یعنی خدا) به فقیر  
They offer food to the needy, the orphan



مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا

و طفل یتیم و اسیر طعام می دهند. (۸)  
and the captive out of love for Him: (8)



إِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ لِرِجَاءِ اللَّهِ

(و گویند) ما فقط برای رضای خدا به شما طعام می دهیم  
 "We are only feeding you for God's sake."

لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا

و از شما هیچ پاداش و سپاسی هم نمی طلبیم. (۹)  
 We want no reward from you nor any thanks. (9)



إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا

ما از (قهر) پروردگار خود به روزی که

We fear a gloomy,

يَوْمًا عَبُوسًا قَمَطَرِيرًا ۱۰

(از رنج و سختی آن رخسار خلق) در هم و غمگین است می ترسیم. (۱۰)

dismal day from our Lord." (10)



فَوْقَهُمْ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ

خدا هم از شر و فتنه آن روز آنان را محفوظ داشت

God will shield them from that day's evil,

وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا

۱۱

و به آنها روی خندان و دل شادمان عطا نمود. (۱۱)

and procure them splendor and happiness. (11)



وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا

و پاداش آن صبر کامل بر ایثارشان باغ بهشت

**Their compensation for being patient**

جَنَّةٌ وَحَرِيرًا ۱۲

و لباس حریر بهشتی لطف فرمود. (۱۲)

**will be a garden and silk [clothing], (12)**



مُتَكِّئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ ز

که در آن بهشت بر تختها (ی عزت) تکیه زنند و آنجا نه آفتابی سوزان بینند و نه  
relaxing on couches there

لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا ۱۳

سرماى زمهریر (بلکه در هوایی بسیار خوش و باغی وسیع و دلکش تفرج کنند). (۱۳)  
where they will see neither sun nor any frost. (13)



وَ دَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا

و سایه درختان بهشتی بر سر آنها

Close over them will hang its awnings,

وَذَلَّتْ قُطُوفُهَا تَذِيلًا

۱۴

و میوه‌هایش در دسترس و به اختیار آنهاست. (۱۴)

while its clusters of fruit will droop low. (14)





وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِءَانِيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ

و (ساقیان زیبای حور و غلمان) با جامهای سیمین  
Silver pitchers will be passed around them,

وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا

و کوزه‌های بلورین بر آنها دور زنند. (۱۵)  
and glasses made from crystal, (15)



# قَوَارِيرًا مِنْ فِضَّةٍ قَدَرُوهَا تَقْدِيرًا

که آن بلورین کوزه‌ها به رنگ نقره خام و به اندازه و تناسب (اهلش) مقدر  
**crystal [set] with silver, which they will measure out just as they**

# وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا

کرده‌اند. (۱۶) و آنجا شرابی که طبعش  
**please, (16) and be allowed to drink from them**



# كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا

۱۷

چون زنجبیل (گرم و عطراگین) است به آنها بنوشانند. (۱۷)  
**a cup flavored with ginger, (17)**

# عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا

۱۸

در آنجا چشمه‌ای است که سلسبیلش نامند. (۱۸)  
**[from] a spring there that is called Nectar. (18)**



وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ ﴿١٩﴾

و دور آن بهشتیان پسرانی زیبا که تا ابد نوجوانند و خوش سیما به خدمت  
Immortal youths will stroll around them;

إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنثُورًا ﴿١٩﴾

می‌گردند که در آنها چو بنگری (از فرط صفا) گمان بری که لؤلؤ منثورند. (۱۹)  
whenever you see them, you will reckon they are scattered pearls. (19)

وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا

و چون آن جایگاه نیکو را مشاهده کنی عالمی پر نعمت

Wherever you look, you will see bliss

و مُلْكًا كَبِيرًا



و کشوری بی نهایت بزرگ خواهی یافت. (۲۰)

and vast control. (20)



عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ خُضْرٌ

بر بالای بهشتیان، لطیف دیبای سبز

They will wear clothing made from green brocade

وَإِسْتَبْرَقٌ

و حریر ستبر است  
and cloth of gold,



وَحُلُّوْا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ

و بر دستهایشان دستبند نقره خام،  
and will be dressed up with silver bracelets,

وَسَقِّمَهُمْ رَبَّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا

و خدایشان شرابی پاک (و گوارا از کوثر عنایت) بنوشاند. (۲۱)  
while their Lord will offer them a pure drink: (21)



إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جِزَاءً

این بهشت به حقیقت پاداش (اعمال) شماست  
 "This is your reward, for your effort

و كَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا



و سعی و اشتیاقتان (در راه طاعت حق) مشکور و مقبول است. (۲۲)  
 has been appreciated." (22)





إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا

محققاً ما

It is We Who have sent

عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا ۲۳

این قرآن (عظیم الشان) را بر تو فرو فرستادیم. (۲۳)

the Qur'an down to you as a revelation (23)



# فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ

پس بر اطاعت حکم پروردگارت صبور و شکیبا باش  
so be patient concerning your Lord's decision

وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ ءَاثِمًا أَوْ كَفُورًا

۲۴

و هیچ از مردم بدکار کفرکیش اطاعت مکن. (۲۴)

and do not obey any wicked or ungrateful person among them. (24)

وَ اذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ

و نام خدایت را

Remember your Lord's name

بُكْرَةً وَ آصِيلاً

۲۵

صبح و شام (به عظمت) یاد کن. (۲۵)

both in the early morning and late afternoon, (25)



وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَ

و شب را برخی (در نماز) به سجده خدا پرداز  
and during the night; bow down on your knees before Him

وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا ۲۶

و شام دراز به تسبیح و ستایش او صبح گردان. (۲۶)  
and glorify Him all night long. (26)



إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ

این مردم کافر غافل همه دنیای نقد عاجل را دوست می دارند

Those people love a fleeting show,

وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا

و آن روز (قیامت) سخت سنگین را به کلی از یاد می برند. (۲۷)

and leave a heavy day behind them. (27)



نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ

ما اینان را آفریدیم و محکم بنیان ساختیم

We too have created them and strengthened their sinews. Whenever

وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَلَهُمْ تَبْدِيلًا

و هر گاه بخواهیم همه را فانی ساخته و مانندشان قوم دیگر خلق می‌کنیم. (۲۸)

We wish, We will replace them with others like them in exchange. (28)

# إِن هَذِهِ تَذْكِرَةٌ

این آیات پند و تذکری است، پس هر که

This is merely a Reminder;

فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ۲۹

(سعادت و حسن عاقبت) بخواهد راهی به سوی خدای خود پیش گیرد. (۲۹)

anyone who wishes, may adopt a way to [meet] his Lord. (29)



وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ

و شما (کافران، راه حق را) نمی خواهید مگر خدای بخواهد (و به قهر  
**Anything you (all) wish is only if God so wishes too;**

إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

شما را به این راه بدارد)، که البته خدا دانا و به صلاح بندگان آگاه است. (۳۰)  
**God is Aware, Wise! (30)**





ج  
يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ

هر که را بخواهد در (بهشت) رحمت خود داخل گرداند

He will admit anyone He wishes into His mercy,

ع  
وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۳۱

و برای ستمکاران عالم عذاب دردناک مهیّا ساخته است. (۳۱)

while He has prepared painful torment for wrongdoers. (31)



﴿ سُورَةُ الْمُرْسَلَاتِ ﴾

سوره ۷۷ - ۵۰ آیه - مکی

Surah 77: (Al-Mursalaat)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!



# وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا



قسم به رسولانی که از پی هم (بر خیر و سعادت خلق) فرستاده شدند. (۱)

By the [winds] sent forth for a purpose (1)

# فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا



قسم به فرشتگانی که به سرعت تندباد (به انجام حکم حق) می‌شتابند. (۲)

and gales that rage on and on, (2)



# وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا

۳

قسم به آنان که (وحی حق و شرع الهی را در جهان) نیکو نشر می دهند. (۳) و قسم به حق آنان  
**scattering things around; (3)**

# فَالْفَارِقَاتِ فَرَقًا

۴

که (به حکم خدا راه هدایت را از ضلالت ممتاز کرده و بین حق و باطل را بر خلق) کاملاً جدا می کنند. (۴)  
**then dividing them all up, (4)**



# فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا



و قسم به آنان که ذکر (خدا و کتاب الهی) را (به انبیاء) وحی می‌کنند. (۵)  
and delivering a Reminder (5)

# عُذْرًا أَوْ نَذْرًا



تا عذر و حجت (نیکان) و بیم و تهدید (بدان) شود. (۶)  
either as a plea or a warning, (6)



# إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ ۗ



(قسم به همه اینان) که آنچه (از ثواب و عقاب آخرت) به شما وعده دهند البته  
**you (all) are surely promised something inevitable. (7)**

# فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ ۗ



واقع خواهد شد. (۷) وقتی که ستارگان همه بی نور و محو شوند. (۸)  
**When the stars fade away, (8)**



وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ ۙ (۹)

و آن‌گاه که آسمان شکافته شود. (۹)  
when the sky splits open, (9)

وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ ۙ (۱۰)

و آن‌گاه که کوه‌ها (چون خاک بر دم باد) پراکنده شوند. (۱۰)  
when mountains are pulverized (10)



# وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِيتَتْ

۱۱

و آن‌گاه که به رسولان، وقت (گواهی بر امتان) را اعلام کنند. (۱۱)  
and when messengers' time is set, (11)

# لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ

۱۲

برای چه روزی وقت (وعدۀ حق) معین شد؟ (۱۲)  
till which day will they be put off? (12)





# لَيَوْمِ الْفَصْلِ

۱۳

برای (روز قیامت) همان روزی که (بین حق و باطل و سعید و شقی) جدایی افتد.

**Till the day for Sorting [things] out! (13)**

# وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمِ الْفَصْلِ

۱۴

(۱۳) و تو چگونه توانی عظمت و سختی آن روز جدایی را تصور کنی؟ (۱۴)

**What will make you realize what the day for Sorting is? (14)**



# وَيَلُ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِبِينَ ۱۵

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند. (۱۵)  
**It will be too bad for rejectors on that day! (15)**

# أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ ۱۶

آیا ما پیشینیان را (به کیفر کفر) هلاک نکردیم؟ (۱۶)  
**Did We not wipe out ancient men? (16)**



# ثُمَّ تَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ ۱۷

از پی آنان آیندگان را (که منکران قرآن باشند) نیز هلاک می‌کنیم. (۱۷)

**Then We followed them up with later ones. (17)**

# كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ۱۸

ما بدکاران عالم را همین گونه هلاک می‌سازیم. (۱۸)

**Thus We deal with criminals! (18)**



# وَيَلُومُهُمْ وَيَوْمَئِذٍ

وای آن روز به حال آنان که  
It will be too bad

۱۹

# لِلْمُكَذِّبِينَ

(آیات خدا را) تکذیب کردند. (۱۹)  
for rejectors on that day! (19)





أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ

آیا ما شما آدمیان را از آب نطفه بی قدر (بدین زیبایی) نیافریدیم؟ (۲۰)

**Do We not create you (all) from a despised fluid? (20)**



فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ

و آن نطفه را (از صلب پدر) به قرارگاه استوار (رحم) منتقل ساختیم. (۲۱)

**We place it in a firm resting-place (21)**



# إِلَىٰ قَدَرٍ مَّعْلُومٍ ۚ

۲۲

تا مدتی معین و معلوم (در رحم بماند). (۲۲) و ما تقدیر (مدت رحم و  
for a known period. (22)

# فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ ۚ

۲۳

تعیین سرنوشت او تا ابد) کردیم که نیکو مقدر (حکیمی) هستیم. (۲۳)  
We measure it out and how favored are Those Who measure it! (23)

# وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٢٤﴾

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند. (۲۴)  
**It will be too bad for rejectors on that day! (24)**

# أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا ﴿٢٥﴾

آیا ما زمین را جامع (حواجی و کفایت بر مسکن و هر امر بشر) قرار ندادیم؟ (۲۵)  
**Have We not placed the earth as a round-up (25)**



# أَحْيَاءَ وَ أَمْوَاتًا



تا زندگان روی زمین تعیش کنند و مردگان درونش پنهان شوند. (۲۶)  
**for the living and the dead? (26)**

## وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ

و در آن کوه‌های بلند برافراشتیم  
**We have planted lofty headlands on it**





وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا ۚ

۲۷

و (از ابر و باران) به شما آب زلال گوارا نوشانیدیم. (۲۷)  
and offered you (all) fresh water to drink. (27)

وَيَلُومُهُمْ وَيَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

۲۸

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند. (۲۸)  
It will be too bad for rejectors on that day! (28)



أَنْطَلِقُوا إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِ تَكْذِبُونَ

(خطاب رسد: ای منکران) شما امروز به سوی آن دوزخی که تکذیب می کردید بروید. (۲۹)

Hurry off to whatever you have been rejecting! (29)

أَنْطَلِقُوا إِلَىٰ ظِلٍّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ

بروید زیر سایهٔ دودهای آتش دوزخ که از سه جانب (شما را) احاطه کند. (۳۰)

Hurry away to shade which has three sections, (30)



۳۱

لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ

نه بر سر شما سایه خواهد افکند و نه از شرار آتش هیچ نجاتتان خواهد داد. (۳۱)  
 which is not shady nor any help against flame. (31)

۳۲

إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ

آن آتش هر شراری بیفکند شعله‌اش مانند قصری است. (۳۲)  
 It throws off sparks like a palace [on fire], (32)



كَانَهُ وَجَمَالَتْ صُفْرُ

۳۳

گویی آن شراره (در بزرگی و رنگ) به شتران زرد موی مانند است. (۳۳)  
[bright] as a yellow camel herd. (33)

وَيَلْ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِبِينَ

۳۴

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند. (۳۴)  
It will be too bad for rejectors on that day! (34)



۳۵

هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ

این روزی است که (کافران بر نجات خود) سخنی نتوانند گفت. (۳۵)

This will be a day when they will not utter [a sound]; (35)

۳۶

وَلَا يُؤْذِنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ

و به آنها رخصت عذرخواهی نخواهند داد. (۳۶)

nor will they be permitted to offer any excuse. (36)



# وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٧﴾

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند. (۳۷)  
**It will be too bad for rejectors on that day! (37)**

## هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ ز

این روز فصل (حکم و جدایی نیک و بد) است  
**This is a day for Sorting [things] out;**





# جَمَعْنَاكُمْ وَالْأَوَّلِينَ

که شما را با همه در گذشتگان پیشین (به عرصه محشر) جمع گردانیده‌ایم. (۳۸)  
**We shall bring you (all) together with the original men. (38)**



# فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونِ

پس اگر فکر و حیلتی (بر نجات خود) توانید بر من حیلت کنید. (۳۹)  
**If you have any scheme, then scheme against me. (39)**



# وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٠﴾

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند. (۴۰) (آن روز سخت)  
**It will be too bad for rejectors on that day! (40)**

# إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ ﴿٤١﴾


بندگان با تقوا و پرهیزگار در سایه درختان بهشت و طرف نهرهای جاری متنعمند. (۴۱)  
**The heedful will be in shady nooks by springs (41)**



وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ ۖ (۴۲) كَلُوا

و از هر نوع میوه مایل باشند فراوان فراهم است. (۴۲) بخورید و بیاشامید  
and have whatever fruit they may hanker for: (42) "Eat

وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۖ (۴۳)

که شما را گوارا باد به پاداش اعمال نیکی که در دنیا به جای می آوردید. (۴۳)  
and drink at leisure because of what you have been doing." (43) 

۴۴

إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

ما البتہ نیکوکاران عالم را چنین پاداش می دهیم. (۴۴)

Thus We reward those who act kindly. (44)

۴۵

وَيَلُ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِبِينَ

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند. (۴۵)

It will be too bad for rejectors on that day. (45)



كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا

(ای کافران شما هم که ایمان به لذات روحانی و تنعم و نشاط ابدی آخرت ندارید پس به خوی

**Eat and enjoy yourselves for a little while,**

۴۶  
إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ

(حیوانیت) بخورید و تمتع برید به عمر کوتاه دنیا که شما بسیار مردم بزهکاری هستید. (۴۶)

**since you are criminals. (46)**



وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٧﴾

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند. (۴۷) و هرگاه به  
It will be too bad for rejectors on that day. (47) When someone told

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ ﴿٤٨﴾

آنها گفته شود که نماز و طاعت خدا را به جای آرید اطاعت نکنند. (۴۸)  
them: "Bow your heads!", they would not bow their heads [in prayer]. (48)

# وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٩﴾

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند. (۴۹) (این کافران)  
 It will be too bad for rejectors on that day. (49)

# فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ وَيُؤْمِنُونَ ﴿٥٠﴾

پس از آیات خدا (که آن را تکذیب کردند) باز به کدامین حدیث ایمان می آورند؟ (۵۰)  
 Yet what report will they believe in later on? (50)





Negareh Asan



easy.reading.quran



negareh.asan

negarehasanpub



[www.negareh-asan.ir](http://www.negareh-asan.ir)

نگارش  
آسان